



Long Live May 1st!
Long live Socialism!

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد سوسیالیسم!

گرامی باد روز جهانی
کارگر:
متحد بسوی برپایی
جنبش سراسری!

اول مه روز همبستگی و اتحاد طبقه
کارگر جهانی و اعلان کیفرخواست علیه
استثمار، تبعیض و بیعدالتی است.
روزی است که کارگران
صفوف خود را متحد صفحه ۲

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۰

روز بجالش کشیدن نظام ضد انسانی سرمایه داری!

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

فرارسیدن روز جهانی کارگر را به همه کارگران در ایران و در دنیا و به همه مردم آزاده جهان تبریک میگویم.
روز کارگر روز بجالش کشیدن نظام ضد انسانی سرمایه داری است. در این روز در همه کشورها کارگران به خیابان می آیند تا علیه بی حقوقی و تبعیض، علیه استثمار و بردگی مزدی، علیه فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و ریاضت کشی اقتصادی، و علیه همه مصائبی که سرمایه داری بر دنیا تحمیل کرده است فریاد اعتراضشان را بلند کنند.

این مصائب و تبعیضات تنها به کارخانه ها محدود نمیشود. این تنها کارگران نیستند که قربانی شرایط ضدانسانی نظام سرمایه داری اند، بلکه اکثریت عظیم مردم جهان، آنانکه امروز ۹۹ درصدیها خوانده میشوند، آنها هم از انواع بیحقوقی ها و تبعیضات در رنجند و آنها هم میخواهند این شرایط تغییر پیدا کند. در روز جهانی کارگر کارگران به نمایندگی از این اکثریت عظیم، به نمایندگی از ۹۹ درصدیها، به خیابانها می آیند و علیه یک درصدیهای مفتخور حاکم کیفرخواست خود

آلودگی محیط زیست و خطر نابودی کره ارض را در نظر ادامه در صفحه ۳

در این شماره نشریه:
برنامه ویژه تدارک اول مه با موفقیت برگزار شد

محاکمه حمید نوری محاکمه حکومت اسلامی است
کاظم نیکخواه

در دفاع از خیزش آبان
حمید تقوایی

چشم انداز یک اول مه با شکوه در ایران
شهلا دانشفر

انتخابات فرانسه: شکست احزاب سنتی، جدال چپ و راست!
محسن ابراهیمی

از اول هدف، ساختن بمب اتمی بود
سیاوش مدرسی

شروع دور تازه ای از اعتراضات دانشجویی
عبدل گلپریان

علیه گرانی و فقر، و علیه جمهوری اسلامی باید به پا خاست!
محمد شکوهی

دادستانی سوئد برای حمید نوری تقاضای حبس ابد کرد!
کمیته بین المللی علیه اعدام

فراخوان معلمان برای تجمع در روز جهانی کارگر و هفته معلم

به مردم ایران در داخل کشور
به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

اتکاء ما به حمایت شماست!

کمپین ۱۰۰ هزار

لیست شماره دو

صفحه ۱۷

گرامی باد روز جهانی کارگر: متحد بسوی برپایی جنبش سراسری! حزب کمونیست کارگری ایران ۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، ۲۲ آوریل ۲۰۲۲

ادامه از صفحه ۱

میکند و اعتراض همه

بخش های جامعه علیه نظام سرمایه داری را نمایندگی میکنند. اول مه روز همبستگی کارگران و ۹۹ درصدی ها علیه تبعیض و نابرابری است. جهان ما که میتواند با تکیه بر دستاوردهای عظیم علمی، رشد شگفت انگیز تکنولوژی و بارآوری نیروی کار جای بسیار بهتری برای زندگی باشد، بواسطه سودورزی سرمایه داران و رقابت و جنگ افروزی دولت های آنها پرمشقت تر و ناامن تر از همیشه شده است. تحمیل سیاست ریاضت کشی اقتصادی که کم و بیش در همه کشورهای جهان حاکم است و رقابت دول سرمایه دار که به جنگ های کنونی و از جمله تهاجم ویرانگر روسیه به اوکراین منجر شده است شرایط

را برای اکثریت عظیم کره ارض با تورم روبه افزایش و گرانی بیشتر و خطر گسترش جنگ و بکارگیری سلاح های اتمی ناامن تر کرده است. جهان شاهد یک عقبگرد تمام عیار در همه وجوه زندگی است. در ایران که یکی از عقب مانده ترین، بی رحم ترین و فاسدترین رژیم های سرمایه داری حاکم است اوضاع از این هم بدتر است. پاسخ کارگران به این وضعیت پایان دادن به نظام فاسد سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. به فاصله یکسال از اول مه ۱۴۰۰ تا امروز جنبش های کارگری، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، جنبش دادخواهی و دیگر جنبش های عدالتخواهانه با شعارها و مطالبات روشن تر، با فریادهای رساتر و مهمتر از همه، سازمانیافته تر و سراسری تر علیه تبعیض و نابرابری گام های بزرگی به پیش برداشته اند. وقت آن رسیده است که همه این

جنبش ها متحد و یکپارچه شوند. در اول مه امسال پیشروان و نهادهای جنبش کارگری میتوانند دست در دست فعالین دیگر جنبشهای ضد تبعیض و برابری طلبانه گامی اساسی به پیش برداشته و به نمایندگی از طرف ۹۹ درصدی های جامعه صفوف خود را متحد کنند. چشم ها بطرف رهبران و فعالین این جنبش ها است. نیروی متحد رهبران و فعالین جنبش های اجتماعی در شرایط کنونی نقش مهمی برای اتحاد کل جامعه حول شعارها و خواست های سراسری و عادلانه مردم دارد. اول مه میتواند روز نمایش همبستگی و اتحاد و سازمانیافتگی این جنبش ها باشد. تصمیم و اراده رهبران و فعالین این جنبش ها تعیین کننده است. شرایط مهیاست. با پیام ها و بیانیه های مشترک و تجمعات مشترک بمناسبت اول مه میتوان

گام بزرگی در جهت اتحاد سراسری جنبش های اعتراضی و فعالین و نهادهای مختلف آن برداشت. با پلاتفرمی مشترک و با مطالباتی چون افزایش دستمزدها و حقوقها و حق بازنشستگی به بالای ۱۶ میلیون، آموزش و درمان رایگان، آزادی زندانیان سیاسی و لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، آزادی فعالیت سیاسی و غیره بستر این اتحاد را فراهم کنیم. جنبش سراسری واحد برای خلاصی از مصائب امروز و برای رهایی و آزادی را میتوان و باید شکل داد. اوضاع خطیر است. فقر و گرانی زندگی اکثریت جامعه را به کابوسی روزانه بدل کرده است. جامعه در آستانه انفجار و شورش گرسنگان قرار دارد. نباید گذاشت شورشها و خیزشهای شهری مثل دوره های قبل با خشونت حکومت مواجه و به شکست کشیده شود. اتحاد فعالین و رهبران جنبش های اجتماعی و برپایی یک جنبش

سراسری چشم انداز روشن و نقطه امید همه مردم خواهد بود و شورش های مردم را هم در اشکال مبارزاتی پایدارتر و ادامه دارتری سمت و سو خواهد داد. از این نظر هم، اتحاد فعالین و رهبران جنبش ها امری عاجل است. اول مه ۱۴۰۱ فرصتی است برای تعیین شعار "کارگران جهان متحد شوید"؛ برای متحد کردن ۹۹ درصدیها بزیبر پرچم کارگران. رهبران و فعالین جنبش های مختلف میتوانند این روز را به نماد همبستگی و بستری برای برپایی جنبش سراسری و اتحاد میلیونی مردم علیه نظام سرمایه داری فاسد و تبهکاران حاکم بدل کنند. دست بکار شویم و نیروی خود را بر این مساله متمرکز سازیم! زنده باد اول مه روز جهانی کارگر! زنده باد اتحاد و همبستگی فعالین و رهبران جنبش های اعتراضی و آزادیخواه!

فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمعات بزرگ و سراسری روز جهانی کارگر

بازنشستگان تامین اجتماعی این بار یکشنبه اعتراض خود را در روز جهانی کارگر برگزار میکنند. به این مناسبت آنها برای ساعت ده و نیم صبح روز یازده اردیبهشت به تجمعات سراسری در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات کل تامین اجتماعی فراخوان به تجمع و گرامیداشت روز جهانی کارگر را داده اند. ۴ گروه مستقل

بازنشستگان به اسامی "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، "گروه بازنشستگان مستقل تهران"، "گروه اتحاد بازنشستگان" و "شورای بازنشستگان ایران" از جمله فراخوان دهندگان این تجمعات هستند. قبل از آن نیز معلمان برای ساعت ده صبح همین روز در تهران در مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل

مراکز آموزش و پرورش فراخوان به تجمع داده بودند. این مهم است که بخشهای هر چه وسیعتری از بازنشستگان و معلمان و کارگران و بخش های مختلف مردم در این تجمعات شرکت کنند. اول مه روز اعتراض سراسری همه مردم به جهنم جمهوری اسلامی و سرمایه

داری حاکم است. روز اعتراض به فقر، فلاکت، تبعیض و نابرابری و کل بساط سرمایه داری مافیایی است. روز اعتراض به جنایت ها و سرکوبگری های حکومت و دادخواهی مردم علیه حکومت جانباست. اول مه روز اعتراض به آپارتاید جنسی و بیحقوقی مطلق زن است. روز اعتراض علیه وضعیت فاجعه بار

کودکان در ایران و دفاع از حقوق کودک است. روز اعتراض علیه تخریب محیط زیست بخاطر چپاول سرمایه داران مفتخور است. روز مادران دادخواه و فریاد رسای دادخواهی آنهاست. حزب کمونیست کارگری همه بخش های جامعه را به پیوستن به تجمعات روز جهانی کارگر فرا میخواند. زنده باد اول مه روز جهانی



روز بچالش کشیدن نظام ضد انسانی سرمایه داری!

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

عرصه ها و در اعتراضات خود اعلام میکنند که خواستار یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی هستند. جامعه ای که پرچم آن در دست طبقه کارگر است. پرچم سوسیالیسم. انقلابی که در راهست نه تنها جمهوری اسلامی را بزیر خواهد کشید بلکه بر حکومت یک درصدهای مفتخور تحت هر عنوان و با هر اسمی نقطه پایان خواهد گذاشت. انقلاب انسانی، انقلابی رهائی بخش، انقلابی برای برخورداری همه مردم از معیشت و منزلت در خورشان انسان.

اول ماه مه امسال روز به هم پیوستگی و روز در کنار هم ظاهر شدن و به خیابان آمدن هم

بیاورد؛ اداره شورایی را در جامعه متحقق کند و کارگران و توده مردم سرنوشت خودشان را بدست بگیرند. مضمون و اهداف و خواستههای همه جنبشهای اعتراضی که در جامعه شاهد هستیم انسانی و رادیکال و چپ و علیه تبعیض است. مردم منزلت و معیشت را حق مسلم خود میدانند، مردم اعلام کرده اند "از تبعیض بیزاریم"، اعلام کرده اند "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، مردم اعلام کرده اند که این فاصله و شکاف عمیق بین فقر و ثروت، بین حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی، باید از بین برود. مردم ایران در همه ابعاد و

آموزش با کیفیت عالی شدند. این حرف دل همه مردم است. در کنار جنبش کارگری، در کنار جنبش معلمان و بازنشستگان، ما جنبش دادخواهی را داریم، جنبش زنان را داریم علیه تفکیک جنسیتی و آپارتاید جنسی؛ جنبش دانشجویی، جنبش علیه اعدام، جنبشهای رادیکال، انسانی و چپی که سراسر جامعه را فراگرفته است. جامعه ایران دست اندر کار شکل دادن به انقلاب دیگری است. انقلابی که دیگر نتواند مانند انقلاب ۵۷ آنرا به شکست بکشاند. انقلابی که بتواند پرچم خواستههای برابری طلبانه و انسانی مردم را به اهتزاز در

بجلو رانند تا انقلاب، را بنام انقلاب در هم بکوبند. جمهوری اسلامی یک نیروی ضد انقلابی است که از همان روز نخست وصله ناجوری به تن جامعه ایران بود و جامعه هیچگاه او را بخود نپذیرفت. مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی از همان روز اول آغاز شد و تا امروز این اعتراض و مقاومت و مبارزه ادامه دارد.

امروز جامعه ایران از نظر گستردگی و از نظر پیگیری و ادامه کاری مبارزات و اعتراضات کارگری در دنیا منحصر بفرد است. هفت تپه پایتخت اعتصابات جهان لقب گرفته است، کارگران نفت با اعتراضات پرشکوه و اعتصاب سراسریشان به میدان آمده اند و بخشهای دیگر طبقه کارگر نیز مبارزات و اعتراضات بیسابقه و بیوقفه ای را به پیش میبرند. معلمان و بازنشستگان به یک جنبش پیگیر سراسری و رادیکال شکل داده اند و در واقع به نمایندگی از بخش اعظم جامعه خواستار تحصیل رایگان، بهداشت و درمان رایگان، خواستار جمع کردن بساط ایدئولوژی اسلامی از مدارس و

ادامه از صفحه ۱

بگیرید. علت و منشاء این هم سودآوری و سوداندوزی سرمایه دارهاست. جنبش به غایت ارتجاعی و ضد انسانی اسلامی را در نظر بگیرید که

دولتهائی مثل طالبان و جمهوری اسلامی را روی کار آورده است و خون مردم منطقه و مردم کشورهای اسلامزده را در شیشه کرده است. چرا؟ چون سرمایه دارها، چون یک درصدهای مفتخور در کشورهای اسلامزده، برای حفظ قدرت خودشان و برای حفظ ثروت و موقعیت خودشان، چاره را در روی آوری به جریانات اسلامی و جنبش تا مغز استخوان ارتجاعی اسلام سیاسی دیدند؛ به آن متوسل شدند و وضعیت جهنمی ای را به وجود آوردند که امروز در منطقه و در دنیا شاهد آن هستیم. جمهوری اسلامی، یکی از وحشی ترین و هارترین حکومتهای سرمایه داری، ناشی از این شرایط است. جمهوری اسلامی را در مقابل انقلاب ۵۷

برنامه ویژه تدارک اول مه با موفقیت برگزار شد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی فراخوان دهنده این برنامه بود



**CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN**

کرونا برای شدت دادن به استثمار کارگران استفاده میکنند و بر همبستگی میان کارگران جهان تاکید کرد و دسگیری معلمان و کارگران در ایران توسط

ادامه در صفحه ۴

فراخوان داد. سخنران بعدی استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای کارگری ونکوور و حومه بود که با شادباش اول مه به مساله کرونا اشاره کرد و گفت کارفرمایان از

کمپین به حاضرین خوش آمد گفت و با اشاره به گسترش مبارزات کارگری و فراخوانهای تشکلهای مختلف برای اول مه بر یک اول مه با شکوه تاکید کرد. او همچنین به حمایت از دو کارزار کمپین برای آزادی کارگران زندانی در مورد بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و مقابله با دستگیری معلمان

ها و پیامها به زبانهای انگلیسی و فارسی و عربی بود و همزمان ترجمه آنها منتشر میگردد. گردانندگان این برنامه میثم عتیق از کانال جدید و تهمینه صادقی عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی بودند و با خوش آمد گویی به حاضرین و بینندگان برنامه را آغاز کردند. سپس شهلا دانشفر سخنگوی

روز ۲۶ آوریل (۶ اردیبهشت) برنامه ویژه ای بصورت آن لاین با شرکت شماری از چهره ها و نمایندگان اتحادیه ها، برگزار شد. این برنامه توسط کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) فراخوان داده شده بود و از تلویزیون کانال جدید و مدیای اجتماعی پخش شد. سخنرانی

جمهوری اسلامی را محکوم نمود.

دیگر سخنران کنفرانس محمد خاکساری یکی از معلمان از ایران بود که بر آزادی معلمان و کارگران زندانی تاکید کرد و گفت تلاش برای آزادی معلمان و کارگران از نفس مبارزه برای معیشت در شرایط کنونی مهمتر است. زیرا باعث پشت گرمی فعالین برای ادامه و گسترش مبارزات خواهد شد.

فرنکیس مظلوم مادر زندانی سیاسی سابق سهیل عربی که خود حکم زندان دارد سخنران دیگر این مراسم بود و با شادباش روز جهانی کارگر به وضعیت زندانها و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تاکید کرد.

سپس کاظم نیکخواه مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، بر جدال و مبارزه کارگران در دنیا و در ایران علیه سرمایه داران و حکومتهاشان اشاره کرد و با اشاره به تقابل گسترده کارگران و مردم با حکومت اسلامی تاکید کرد که در ایران کارگران میدانند که بدون آزاد کردن کل جامعه طبقه کارگر آزاد نمیشود و دست در دست همه مردم در این جهت تلاش میکنند.

سعید نعما دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری عراق و یکی از امضا کنندگان کمپین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی نیز یکی از سخنرانان این کنفرانس بود و در پیامی به زبان عربی بر همبستگی میان کارگران کشورهای دنیا تاکید کرد و به وضعیت کارگران در عراق و مبارزه برای زندگی بهتر اشاره نمود.

لورنا وو از اتحادیه معلمان بریتیش کلمبیا نیز یکی از سخنرانان بود و با تشکر از فری دم ناو بخاطر دعوتش به کنفرانس، به وضعیت معلمان در کانادا و تشدید فشارها در دوره کرونا بر آنها اشاره کرد و به

ناجور است اما کارگران مهاجر افغان در ایران وضعیت بدتری دارند. و بر همبستگی کارگران تاکید کرد.

بهنام ابراهیم زاده فعال دفاع از حقوق کودکان و کارگران و زندانی سیاسی سابق با اشاره به شمار زیاد کودکان فقیر و کودکان کار و با توضیح وضعیت کارگران در ایران توسط جمهوری اسلامی، جمهوری بایکوت جهانی این رژیم و اخراج آن از سازمان جهانی کار را مورد تاکید قرار داد.

پیامهایی نیز از سوی شماری از چهره های بین المللی و دست اندرکاران اتحادیه ای به کنفرانس ارائه شده بود. پیتر تاچل مدافع حقوق بشر و مدیر

نهاد پیتر تاچل که به دلیل بیماری نتوانست در کنفرانس شرکت کند، در پیامی به پایمال کردن حقوق انسانی توسط حکومت اسلامی اعتراض کرده و خواهان بایکوت این حکومت شد.

استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه سرویس و خدمات عمومی بریتیش کلمبیا نیز در پیام خود با تشکر از فری دم ناو بخاطر دعوتش به کنفرانس، بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید کرده و با توجه به کارنامه ضد انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شد.

همچنین پیمان شجیراتی فعال کارگری و از کارگران سابق

فولاد اهواز در پیام خود بر اتحاد کارگران در برابر سرکوبها تاکید کرد. ریتا مالیا دبیر کل اتحادیه ساختمانی شعبه نیو ساوت ولز استرالیا و پل کیتینگ دبیر کل اتحادیه کشتیرانی استرالیا نیز پیامهایی به کنفرانس دادند و حمایت خود را از کارگران ایران اعلام کرده و سرکوبگریهای حکومت اسلامی را در قبال معلمان و کارگران محکوم کردند.

در خلال سخنرانی ها و پیامها کلیه های ویدئویی متعددی از مبارزات و اعتراضات سال گذشته کارگران و مردم پخش شد و صحنه های با شکوهی از این مبارزات به نمایش درآمد.

کمپین برای آزادی کارگران

ویژه برنامه فری دم ناو بمناسبت روز جهانی کارگر

سه شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۶ آوریل ۲۰۲۲
ساعت ۶ عصر اروپای مرکزی - ۸:۳۰ شب ایران

شرکت کنندگان:

شهلا دانشفر، سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی کاظم نیکخواه، مسئول روابط بین المللی فری دم ناو لورنا وو، عضو کمیته همبستگی بین المللی فدراسیون معلمان بریتیش کلمبیا BCTF سعید نعما، دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری از عراق محمد خاکساری معلم از ایران الکساندرا هنوک مدافع حقوق کارگران مهاجر در کانادا فرهاد میرزایی معلم از ایران بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگر و مدافع حقوق کودک پیمان شجیراتی فعال جنبش کارگری و از کارگران سابق فولاد اهواز فرنکیس مظلوم مادر زندانی سیاسی سابق سهیل عربی

استفان وان سیچوفسکی دبیر کل شورای کارگری ونگوور و حومه (VDLC) پیام همبستگی استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه سرویس و خدمات عمومی بریتیش کلمبیا

KANAL JADID
کانال جدید

۰۰۴۶۷۲۲۸۰۷۰۵۲
www.kanaljadid.com

پخش مستقیم در تلویزیون کانال جدید

بروی ماهواره های یوتلست و یاهست

وبسایت کانال جدید

و اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب

محاكمه حمید نوری محاکمه حکومت اسلامی است

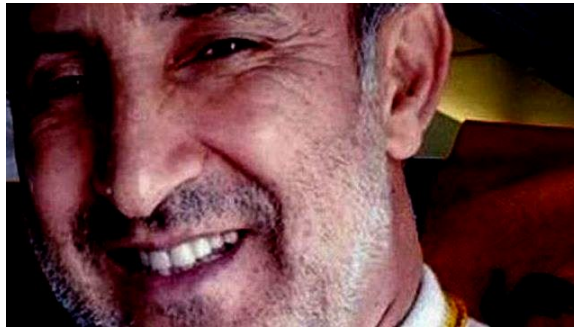
کاظم نیکخواه



نداشته باشد. عزم و اراده برای خلاصی از شر مفتخوران و دزدان حاکم و حکام اسلامی سرمایه، در همه جا موج میزند. محاکمه حمید نوری در استکهلم، تربیونال آبان در لندن که جنایات این حکومت را در آبان ۹۸ جلوی چشم دنیا گرفت و همچنین دادگاه مردمی در انتاریوی کانادا علیه جمهوری اسلامی، اینها تنها گوشه هایی از جنایات حکومت اسلامی را به تصویر کشیده اند. اما به جانان حاکم نشان دادند که دنیا میداند که آنها چه کرده اند و چه میکنند و باید منتظر چه سرنوشتی باشند. ما مردم خواهان انتقام از این دیوهای منحوس تاریخ نیستیم. ما برای اعدام و به دار کشیدن آنها تلاش نمیکنیم. اما با سرنوشتی حکومت اسلامی مردمی که عزیزانشان را از دست داده اند و توسط این جانوران زندگی شان به درد و عذاب تبدیل شده است، حق دارند بخواهند که شکنجه گران و عاملان و آمران قتل و زندان و جنایت در برابر دادگاههای مردمی ظاهر شوند و از پشت پرده جنایاتشان سخن بگویند و

امروز و دیروز حکومت نیز کارنامه بهتری ندارند. این جانان خونخوار اسلامی آمده بودند که نفس مبارزه و اعتراض و انقلاب کردن را مدفون کنند. آمده بودند تا دزد و چپاولگر اسلامی را بر جامعه حاکم کنند و مردمی را که برای خلاصی از دیکتاتوری پهلوی و خانواده مفتخور هزار فامیل انقلاب کرده بودند به سکوت و تسلیم و تمکین بکشانند. اما نتوانستند. مردم این کشور علیرغم این زخمها و اینهمه جنایات تسلیم نشدند. جوانان و زنان و کارگران و معلمان و بازنشستگان و مردم کوتاه نیامدند. ترس و وحشت و رعب را نتوانستند بر جامعه حاکم کنند. گورستان آریامهری را نتوانستند احیا کنند. خیزشها و قیامها و اعتراضات و شعار دادنهای طمی این سالها بارها فوران کرد و در سراسر جامعه طنین انداز شد. جامعه ایران امروز یک آتشفشان است. یکپارچه خشم و اعتراض است. روزی نیست که اعتصابات و اعتراضات و راهپیمایی ها و بیانیه دادنها در گوشه هایی از این کشور جریان

کشتارگاه تمام عیار بود. اما فقط گوهر دشت نبود. دهها زندان شناخته شده و ناشناخته دیگر توسط گرگهای اسلامی برپا شده بود و جلادان بسیاری نظیر همین حمید نوری و بیرحم تر از او به جان مردم افتادند و با خونسردی و بیرحمی کشتند و



نابود کردند و مادران و پدران و فرزندان بسیاری را برای همیشه عزادار کردند. محاکمه حمید نوری این عنصر کثیف و خونخوار طی این دو سال دنیا را متوجه ماشین کشتاری که در ایران بر سر کار است، نمود. خیلی ها با مشاهده دادگاه حمید نوری قلبشان بدرد آمد و در برابر دوربینها و خبرنگاران گریستند. ابراهیم رئیسی یکی از سه نفر اعضای کمیته مرگ بود و اکنون به مقام ریاست جمهوری این رژیم ارتقا یافته است. بقیه آخوندها و دست اندرکاران

حکم اعدام برایشان صادر شد و به فاصله چند دقیقه و چند ساعت به جوخه اعدام سپرده شدند و یا حلق آویز گردیدند. حمید نوری یکی از جلادانی بود که نقش عامل اجرایی احکام اعدام را داشت و در کنار جلاد شناخته شده ای بنام

قاضی مقیسه و رئیسی و بقیه هیئت مرگ جمهوری اسلامی با لذت به جان بچه های مردم افتادند و هزاران نفر را در عرض دو سه ماه کشتند و نابود کردند تا رژیم جهانی جمهوری اسلامی را سر پا نگه دارند. شاهدان بسیاری در دادگاههای حمید نوری حضور یافتند و مشاهدات تکان دهنده خود را از زندان گوهر دشت بیان کردند. طی این دو سال شنیدن داستان و مشاهدات آنها قلب هر انسانی را بدرد آورد. آری گوهر دشت همانگونه که دادستان سوئدی میگوید یک

بعد از دو سال و چند ماه و برگزاری شمار زیادی از جلسات دادگاه در استکهلم روز گذشته دادستان سوئد برای حمید نوری یکی از جلادان جمهوری اسلامی تقاضای حبس ابد کرد. او حمید نوری را یک جنایتکار "خطرناک" خواند و گفت او پس از پایان جلسات دادگاه تا زمان اعلام حکم نباید موقتاً هم آزاد شود. قرار است دادگاه حکم او را در روزهای آینده اعلام کند. دادستان بنابر دو اتهام انتسابی جنایت جنگی و قتل عمد، برای متهم درخواست حبس ابد و اشد مجازات کرد. دادستان سوئد زندان گوهر دشت را "کارخانه کشتار" نامید و گفت حمید نوری با علاقه در این کارخانه کار میکرد و در کشتار زندانیان سیاسی نقش مستقیم داشته است. محاکمه این شکنجه گر و جلاد جمهوری اسلامی در واقع محاکمه حکومت جنایتکار و خونخوار اسلامی است. داستان این محاکمه داستان بسیار غم انگیز سلاخی کردن جوانانی است که در خیابانها بصورت فله ای دستگیر و زندانی شدند و بسادگی آب خوردن از سلولها بیرون کشیده شدند و در دادگاههای دو سه دقیقه ای

ویژه برنامه حزب کمونیست کارگری ایران
بمناسبت ۱ مه روز جهانی کارگر

1 May
International
Workers
Day

کارگران جهان متحد شوید!

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱ مه ۲۰۲۲
۱:۳۰ بعدازظهر ایران - ۱۱ صبح اروپای مرکزی

در تلویزیون کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید

www.kanaljadid.com

بخش مستقیم در یوتل ست و یاهست
اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب

ماهواره یوتلست
فرکانس، ۱۱۳۸۷
پولاریزاسیون، عمودی
سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۵/۶

ماهواره پاه ست
فرکانس، ۱۱۷۶۶
پولاریزاسیون، عمودی
سیعبل ریت، ۲۷۵۰۰
اف ای سی، ۷/۸

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،
پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های
تلویزیون کانال جدید
در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

در دفاع از خیزش آبان حمید تقوایی

در دفاع از خیزش آبان تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید حسن صالحی: در هفته های گذشته بحث درباره خیزش و یا قیام آبان ۹۸ بالا گرفت، برخی با طرح موضوعاتی اهمیت این حرکت عظیم مردمی را خدشه دار کردند

بحثهایی که به طرح نکات منفی در مورد قیام ۹۸ منجر شد علیرغم رفت و برگشت هایی که صورت گرفت و عذرخواهی هایی که انجام گرفت اما مضمون آن بحث ها همچنان به قوت خودش باقی است که باید جواب بگیرد. از همین رو لازم دیدیم که برنامه این هفته خط رفاه را ما به دفاع از خیزش انقلابی مردم در آبان ۹۸ اختصاص بدیم و پاسخی بدیم به بحثهایی که که خیزش ۹۸ را خدشه دار میکرد. مهمان برنامه این هفته ما حمید تقوایی است.

حمید تقوایی، میخواستیم قبل از هر چیزی از شما پرسیم قیام یا خیزش انقلابی آبان ۹۸ از نظر شما چه جایگاه و اهمیتی دارد؟

حمید تقوایی: این خیزش فریاد اعتراض یک جامعه به تنگ آمده بود. جامعه ای که این اوضاع را تحمل نمیکند و از جمهوری اسلامی متنفر است. در آبان ۹۸ جامعه پیا خاست و فریاد اعتراض را بلند کرد. این قیام با اعتراض به گرانی بنزین شروع شد ولی بسرعت شعارها سیاسی شد، شعارها علیه کل حکومت شد و به این ترتیب یک جامعه به تنگ آمده اعتراض خودش را به گسترده ترین شکل، رادیکالترین و تعرضی ترین شکل نشان داد.

معمولا به خیزشهای شهری از نوع خیزش آبان گفته میشود عصیان یا فوران خشم مردم و غیره بنظر من این نوع نامگذاری ها تمام حقیقت مطلب را ادا نمیکند. خیزش آبان عصیانی نبود که چهار روز اوج گرفت و تمام شد، آنرا خیزش آبان

شهرک های حاشیه تهران، حاشیه نشین ها بخوبیان آمدند و از همین رو آنرا همانطور که شما گفتید عصیان مینامند و معتقدند به همین دلیل هم زود فروکش کرد. نظر شما در این مورد چه هست؟
حمید تقوایی: نکته اول این

آنهايي که بالاخره در سیاست صاحب نظرند و سیاست را دنبال میکنند، اعتراضشان به گرسنگی و فقر و شرایط معیشتی نیست بلکه آزادی میخواهند مثلا قلم به دست هستند، آزادی اندیشه میخواهند و غیره از طبقه متوسط هستند. اما نه صرف چنین

خیزش آبان بنظر من کوبنده ترین، رادیکالترین، گسترده ترین، و تعرضی ترین اعتراض جامعه بود به حکومت و کلا به سیستمی که مردم نمیخواهند و عزم جزم کرده اند که آنرا بزیر بکشند.

مینامیم ولی تا چند ماه ادامه پیدا کرد. دوره های مختلفی و شعارهای مختلفی، تاکتیک های مختلفی، شیوه های اعتراضی مختلفی را مردم بکار گرفتند و مبارزه کردند که همه آنها دستاورد جنبش انقلابی و اعتراضاتی مردم در ایران محسوب میشود. در این مصاحبه امیدوارم به این جنبه ها بپردازیم ولی در همین حد پاسخ به سوال اول شما لازمست بگویم خیزش آبان بنظر من کوبنده ترین، رادیکالترین، گسترده ترین، و تعرضی ترین اعتراض جامعه بود به حکومت و کلا به سیستمی که مردم نمیخواهند و عزم جزم کرده اند که آنرا بزیر بکشند.

حسن صالحی: به جنبه های دیگر خواهیم پرداخت، اینجا به انتقادات و بحث هایی که در ابتدای برنامه اشاره کرده ام بپردازیم. برخی معتقد هستند که حرکت آبان ۹۸ یک حرکت اصیل مردمی نبود چونکه معتقد هستند که این حرکت از سوی طبقه متوسط در ایران براه نیفتاد.

است که خیزش آبان زود فروکش نکرد. این را من بعدا توضیح میدهم. ولی از این انتقاد خیلی تعجب میکنم. معمولا در نظریات و ارزیابی ها چه چپ و چه راست اعتراضاتی اصیل و مردمی نامیده میشود که اقشار فرودست، اقشار فقیر جامعه، اقشاری که زندگی شان از هر طرف تحت فشار است، در ان نقش داشته باشند. حرکات اعتراضی که مثلا طبقه کارگر در آن شرکت داشته باشد، حاشیه نشین ها و بی خانمان ها و بیکاران و تهیدستان در ان نقش داشته باشند. معمولا به این اعتراضات میگویند حرکت اصیل. اما در این توضیحی که شما میدهید و در بحث هایی که من دنبال کردم ظاهرا طبقات متوسط نقش اصلی را پیدا کرده اند! این برای من عجیب است. این نظریه کاملا خلق الساعه و جدیدی است که در ادبیات سیاسی چه چپ و چه راست بیسابقه است. ظاهرا قضیه از اینجا نشات میگیرد و منطبق اش این است که بالاخره طبقه تحصیلکرده،

خواستگانی موجب اصیل بودن یک حرکت میشود و نه این خواستها در انحصار طبقه متوسط است. حرکت اصیل به این معنا که بتواند تغییرات ریشه ای ایجاد کند و یک نظام مملو از فقر و بی حقوقی و ظلم و ستم و شکنجه و کشتار مثل جمهوری اسلامی را ریشه کن کند تنها حول حرکات و خیزشهای کارگران و بخشهای محروم جامعه میتواند شکل بگیرد؛ حرکتی که فقرا، بیکاران، کارگران، حاشیه نشینان اینها موتور اصلی اش و نیروی محرکه اصلی اش باشند. این حرکتها است که به نفع توده مردم و حتی به نفع طبقه متوسط است. حتی به نفع آنکه از نظر معیشتی شاید وضعیتش بد نباشد ولی مثلا به اختناق اعتراض دارد، به سرکوب و تشدید سانسور و جلوه دهانها را گرفتن و غیره اعتراض دارد. اتفاقا آنها هم اگر بخواهند به حق و حقوقی برسند باید متکی بشوند به حرکت طبقه کارگر و اقشار فرودست و توده مردمی که میخواهند این نظام را از ریشه

زیر و رو کنند. اکثریت عظیم مردم، مجموعه افراد تحت ستم جامعه که اقشار متوسط را هم در بر میگیرد و امروزه باصطلاح به آنها ۹۹ درصدی ها میگویند، آنها هم اگر بخواهند آزاد بشوند باید متکی بشوند به حرکت اعتراضی کارگران و اقشار محروم و فرودست جامعه.

حسن صالحی: همانطوری که شما اشاره کردید بالاخره اعتراضات آبان ۹۸ بدنبال گران شدن بنزین و مسائل اقتصادی بود که شروع شد، آیا این حرکت به این معنا بود که مطالبات سیاسی و یا با مضامین سیاسی را دنبال نمیکرد و یا نفس اینکه انگیزه اولیه اش اقتصادی بود، چیزی از اهمیت آن کم میکند؟

حمید تقوایی: بهیچوجه. نیروی اصلی خیزش آبان بخش کاملا بی حقوق و محروم جامعه بود که در اثر فقر و بی تأمینی اقتصادی و بیکاری جاننش به لب رسیده بود. کارگر بیکار و کارگر شاغلی که دستمزدش یک پنجم خط فقر است و شش ماه شش ماه دستمزد نمیگیرد. اینها در آبانماه پیا خاستند. اعتراض و خیزش علیه فقر و حول خواستهای معیشتی در خود جنبشی بر حق و مهم و یک رکن تعیین کننده جنبش سرنگونی طلبانه است. کما اینکه خیزش آبان با اعتراض به گرانی و افزایش قیمت بنزین شروع شد ولی به اینجا محدود نماند و در عرض ۲۴ ساعت کل جمهوری اسلامی را به چالش کشید. در همان روز دوم شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم شعار مردم بود، مرگ بر دیکتاتور

چشم انداز یک اول مه با شکوه در ایران



شهلا دانشفر

شهلا دانشفر

چشم انداز یک اول مه با شکوه در ایران

امسال در آستانه اول مه شاهد بیسابقه ترین تحرک برای گرامیداشت روز جهانی کارگر هستیم. معلمان و بازنشستگان با فراخوانهایشان در سطح سراسری به استقبال روز جهانی کارگر رفته اند. فراخوان ها برای تجمع در تهران در مقابل مجلس اسلامی است و بدینگونه این محل به میعادگاه همه مردم معترض جامعه برای اعتراض و

تجمعات روز جهانی کارگر تبدیل شده است. بعلاوه معلمان در مراکز استانها و شهرستانها به تجمع مقابل ادارات کل و ادارات آموزش و پرورش و بازنشستگان این بار یکشنبه اعتراض خود را در روز جهانی کارگر بر پا کرده و در بیانیه های خود به تجمعات سراسری مقابل ادارات تامین اجتماعی فراخوان داده اند. جالب اینجاست که تشکلهای مختلف معلمین در شهرهای مختلف از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام حمایت کرده و با هشتگ های # همه می آیم، # فقط کف خیابان بدست می آید حقمون، خود را برای تجمعات این روز آماده می کنند.

خطاب این فراخوانها به همه مردم است. در این فراخوانها بحث بر سر اعتراض به فقر و زندگی زیر خط فقر و بی تامينی و بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی مردم است. بحث بر سر داشتن حق تشکل، تجمع، و

داشتن فعالیت آزادانه و تحزب است. بحث بر سر آموزش و پرورش رایگان و با کیفیت و درمان رایگان و داشتن حق مسکن است. بحث بر سر جوارو کردن بساط آپارتمان جنسی حاکم و ستم سیستماتیک و هر روزه بر زنان است. بحث بر سر حقوق کودک، حقوق شهروندی برای مهاجران افغانستانی، به رسمیت شناختن حقوق انسانی رنگین کمانها و اعتراض به نقض حقوق پایه ای انسانهاست.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای خطاب به معلمان و همه مردم برای روز جهانی کارگر اعلام میکند که با توجه به اینکه مطالباتشان پاسخ نگرفته اند و نیز اکثریت والدین دانش آموزان آنها کارگران و زحمتکش هستند و همچنین در دفاع از مطالبات به حق کارگران فراخوان به تجمعات روز جهانی کارگر را داده است و از والدین دانش آموزان خود میخواهد که برای تحقق مطالبات خود و دفاع از اصل آموزش رایگان و با کیفیت به این فراخوان بپیوندند و صحنه واقعی ای از اتحاد فرهنگیان و سایر اقشار اجتماعی را رقم زنند. یک تاکید این بیانیه بر اتحاد عملی و همبستگی همه بخش های جامعه است.

جدا از این تحرکات، جنب و جوش در محیط های اعتراضی کارگری بر سر روز جهانی کارگر گسترده است. همچنین ما شاهد انتشار بیانیه های ویژه روز جهانی کارگر بصورت مستقل و یا مشترک و

پیامهای ویژه روز جهانی کارگر از سوی فعالین و چهره های شناخته شده کارگری و اجتماعی هستیم.

این تحرک به فضایی از اعتراض و مبارزه در سطح جامعه شکل داده است. بیانیه ها و قطعنامه ها در واقع حلقه اتصال و اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف جامعه در کف خیابان است. به نمونه هایی از تحرکات در زیر اشاره میکنیم:

- کارگران فولاد اهواز این کانون داغ اعتراضات کارگری طی بیانیه ای روز جهانی را گرامی داشته اند. صدای مستقل کارگران فولاد اهواز در بیانیه خود روز جهانی کارگر را به تمامی همکاران گرامی و به تمامی کارگران و نیروهای مزدبگیر و تمامی اقشاری که برای زندگی سعادتمند همگانی مبارزه می کنند تبریک گفته و با شعار معروف خود "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می جنگیم می جنگیم" بر تلاش مشترک با دیگر هم سرنوشتان نشان برای اعتلای مبارزاتی کارگران تجدید عهد میکنند. کارگران فولاد اهواز در بیانیه خود ضمن اشاره به مشکلات کار از جمله نبود قطعات در خطوط تولید و قرار گرفتن ادامه کار شرکت در هاله ای از ابهام و دادن پاسخ کارگران با اخراج و از جمله اخراج سی نفر از همکارانشان و ممنوع الورد کردن آنها بر مهم بودن روز جهانی کارگر به عنوان روزی برای اعتراض تاکید کرده و مینویسند: "ما ضمن دفاع و حمایت قاطعانه از همکاران اخراجی، برای برطرف کردن ریشه فساد و ستم که خواسته

به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه مشترکی داده اند. امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه"، "کانون صنفی فرهنگیان البرز"، "کانون صنفی معلمان قزوین"، "کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز"، "گروه اتحاد بازنشستگان"، "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، و "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، و "شورای بازنشستگان ایران"

امضا کنندگان این بیانیه با اعلام خواستههای فوری کارگران تمامی هم طبقه ای های خود و پشتیبانان جنبش کارگری را به اتحاد عمل برای گسترش و تعمیق مبارزه حول خواستههای اعلام شده خود فرا خوانده اند. رئوس مهم این خواستها عبارتند از:

- ۱- افزایش حداقل دستمزد به میزان ۱۶ میلیون تومان در ماه برای یک خانوار ۴ نفره کارگری. (از نظر تعداد اعضا)
- ۲- برابری زنان و مردان در تمام عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی- اجتماعی، مدنی و فرهنگی.
- ۳- برقراری بیمه های

همه ماست ایستادگی خواهیم کرد. ما به هیچ وجه در قبال سیاست اخراج و بیکارسازی کارگران کوتاه نخواهیم آمد. گذشته چراغ راه آینده ماست. خوشبختانه جنبش کارگری و به خصوص فعالان کارگری در گروه ملی دارای تجربه های غنی در مبارزه و سازماندهی برای حصول مطالبات هستند که به بهانه روز کارگر ضروری است که دوباره دستاوردهای کارگری را در زمینه برگزاری مجمع عمومی و راه اندازی اعتصابات قدرتمند برجسته کنیم و به میان بکشیم. این کارگران در ادامه بیانیه خود با تاکید بر اینکه چشم امیدشان به هیچ دولت و نهاد و مدیر و کار آفرینی نیست، بر قدرت مبارزاتی خود تاکید کرده و مینویسند: "بیایم تا به بهانه روز جهانی کارگر نشان دهیم که گروه ملی فولاد از همیشه بیدارتر است و حاضر است با فداکاری و کنار گذاشتن اختلافات متعدد، مبارزات تازه و ارزشمند دیگری را به صفحات تاریخ جنبش کارگری اضافه کند."

بدین ترتیب کارگران فولاد اهواز به مناسبت روز جهانی کارگر در تدارک اعتراضی سازمان یافته برای پیشبرد مطالباتشان هستند.

- ۹ گروه و تشکل مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان

ادامه از صفحه ۷

اجتماعی مکفی و موثر، بویژه بیمه‌های درمانی و بیمه بیکاری برای کارگران بیکار و جویای کار.

۴- انحلال شرکت‌های پیمانکاری و واسطه‌ای و برچیده شدن شرک این قبیل شرکت‌ها، از محیط‌های کار و زندگی کارگران و تامین نیروی انسانی این مراکز، از طریق پیمان‌های دسته‌جمعی آنان.

۵- ایجاد تشکل‌های مستقل کارگران و برخورداری از حق آزادی بیان و عقیده، تشکل و تحزب؛ اعتصاب و اعتراض، تظاهرات، راه پیمانی و تحصن.

۶- آزادی کارگران و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی؛ منع تعقیب قضائی و بازگشت بی‌قید و شرط آنان به کار و محل زندگی خود.

۷- منع کار کودکان کمتر از ۱۶ سال و تأمین زندگی و آموزش کودکان کار

۸- مبارزه با هرگونه تبعیض جنسیتی، عقیدتی، ملی و قومی در محیط کار و در جامعه.

۹- مبارزه با هرگونه تبعیض و ستم نسبت به کارگران خارجی و از جمله کارگران و زحمت‌کشان مهاجر افغانستانی در ایران.

۱۰- آموزش رایگان در تمام سطوح.

۱۱- ترمیم حقوق معلمان و بازنشستگان و همسان سازی حقوق آنان با شاغلان.

۱۲- نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق‌ها و دارائی‌های عمومی بازنشستگان و برخورداری از بیمه‌های موثر و کارآمد.

۱۳- مخالفت با جنگ‌های تجاوزکارانه و افشا و محکوم

کردن سیاست‌های سلطه طلبانه و منافع استعمارگرانه همه دولت‌های درگیر در جنگ.

بیانیه ۲۴ گروه

۲۴- گروه، جمع و تشکل مستقل از کارگران، معلمان، بازنشستگان، مدافع حقوق زن و دیگر بخش‌های معترض جامعه طی بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی کارگر، اول ماه مه را گرامی داشتند.

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: " اول ماه می روز جهانی کارگر امسال مناسبت مهم و تعیین کننده‌ای است تا با برگزاری گسترده و عمومی مراسمات، مبارزات خود را حول مطالبات اساسی عمومیت

بخشیم و وارد مرحله‌ای عالیتر (اعتصاب عمومی) در ادامه مبارزاتمان شویم. امضاء کنندگان این بیانیه از کل طبقه کارگر، زنان، خانواده‌های دادخواه و همه مردم خواهان

رفاه، آزادی و شادی می‌خواهند که اول ماه می روز جهانی کارگر را روز اتحاد و همبستگی خود

بدانند. سپس بر برگزاری هر چه باشکوه‌تر و سراسری‌تر و عمومی‌تر مراسم‌های روز جهانی کارگر حول خواسته‌های اعلام شده خود تاکید کرده‌اند.

رنوس برجسته این مطالبات عبارتند از:

۱- افزایش حداقل حقوق به ۱۶ میلیون تومان،

۲- درمان رایگان برای عموم مردم،

۳- آموزش رایگان و مطابق با معیارهای علمی و مدرن برای همه دانش‌آموزان،

۴- بیمه بیکاری معادل حداقل حقوق ۱۶ میلیون تومان

برای همه بیکاران بالای ۱۸ سال

سن اعم از زن و مرد،

۵- برابری کامل زن و مرد تمام شئون اجتماعی

۶- آزادی تشکل، تحزب، تجمع، اعتصاب و تظاهرات،

۷- آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و

مختومه شدن همه پرونده‌های قضایی علیه فعالین،

۸- به رسمیت شناسی اول ماه می روز جهانی کارگر به

عنوان روز تعطیلی عمومی امضا کنندگان این بیانیه

عبارتند از: ۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۲- سندیکای نقاشان البرز - ۳- ندای زنان ایران - ۴- گروهی

از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه - ۵- گروهی از رانندگان تاکسی

شهرک ظفر کرمانشاه - ۶- گروهی از کارگران جوشکار

شهرک امام کرمانشاه - ۷- گروهی از ورزشکاران رزمی کار

کرمانشاه - ۸- گروهی از مهندسان نرم‌افزار پاساژ میرداماد

کرمانشاه - ۹- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز - ۱۰-

گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز - ۱۱- گروهی

از کارگران لوله کش ساختمانی سقز - ۱۲- گروهی از کارگران

بیکار محله کریم آباد سقز - ۱۳- گروهی از کارگران بیکار

محله تپه شافعی سقز - ۱۴- گروهی از کارگران بیکار محله

تپه مالان سقز - ۱۵- گروهی از کارگران بیکار محله بردبران سقز

۱۶- گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و خدما

درمانی سقز - ۱۷- گروهی از اعضا کانون صنفی معلمان سقز

و زیویه - ۱۸- گروهی از فعالین اجتماعی سقز - ۱۹- گروهی از

کارگران کارگاه‌های تولیدی شهرک صنعتی سقز - ۲۰-

گروهی از کارگران ساختمانی

خیابان هفده شهریور سنندج - ۱

۲- گروهی از کارگران ساختمانی خیابان فرح سنندج -

۲- گروهی از کارگران گازرسانی سنندج - ۲۳- گروهی

زنان کوهنورد سنندج - ۲۴- گروهی از کارگران مرغداری

های مریوان - ۲۵- گروهی از کولبران مریوان - ۲۶- گروهی از

کارگران ساختمانی کامیاران - شورای سازماندهی

اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه‌ای اعلام کرد که این

کارگران با اعتراضات خود بخاطر خلف وعده‌ها و برای

پیگیری مطالباتشان شان به پیشواز اعتصاب سراسری پنجم

اردیبهشت میروند و در روز جهانی کارگر دست به اعتراض

میزنند. قبل از آن نیز شورای سازماندهی با بیانیه‌ای با عنوان

به استقبال روز جهانی کارگر برویم بر اتحاد بخش‌های

مختلف کارگری و جنبش‌های اجتماعی در سطح جامعه بر سر

خواسته‌های مشترک خود در دفاع از زندگی و معیشتشان تاکید

نموده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: " ما

همگی همدرد و هم سخن هستیم پس می‌توانیم و باید

کنار هم باشیم. هر اندازه که بتوانیم این پیوندها را مستحکم

کنیم و سازمان یافته‌تر عمل نماییم، چشم اندازه‌های پیش رو

برجسته‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، ما کارگران پروژه‌ای و

پیمانی این روز همبستگی جهانی کارگری را باید متحدتر

از هر زمان دیگری کنار هم قرار بگیریم و برای استقبال از چنین

روزی تدارک تجمعات مان را مقابل مراکز کاری، پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها،

نیروگاهها و مناطق ویژه ببینیم.

یکصدا خواسته‌هایمان را اعلام

کنیم و اولتیماتوم دهیم که همچنان پیگیر مطالباتمان

هستیم. ما همچنان خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران

چپاولگر و لغو قوانین برده وار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

هستیم. خواستار افزایش دستمزدها و رسیدن سطح آن در

حد یک زندگی شایسته انسان هستیم. خواستار بهبود قابل

قبول محیط‌های کاری و زیستی مان در نفت و پتروشیمی،

داشتن ایمنی محیط کار و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و

حق داشتن تشکل، تجمع و اعتراض هستیم. با صدای بلند

اعلام کنیم که ما باز هم می‌آییم. این روز می‌تواند مناسبتی

باشد برای تاکید بر خواسته‌های سراسری کارگران و فرصتی برای

مطالبات پاسخ نگرفته مان."

بعلاوه کارگران نیشکر هفت تپه نیز قرار است ساعت هشت

و نیم صبح اول مه در مقابل دفتر مدیریت در محل سنگر تجمع

کنند و روز جهانی کارگر را برگزار کنند.

تحركات به مناسبت روز جهانی کارگر ادامه دارد. در عین

حال فعالین کارگری و چهره‌های شناخته شده‌ای چون

ناهید خداجو، علی نجاتی، محمود صالحی به مناسبت روز

جهانی کارگر پیام داده و این روز را گرامی داشته‌اند.

اینگونه است که تحركات به مناسبت روز جهانی کارگر

امسال ابعاد و رنگ و روی دیگری نسبت به سالهای گذشته

دارد. این تحركات حکایت از جامعه‌ای دارد که پیشاپیش آن

جنبش کارگری در حرکت است

هزینه جنگ و تحریمها را باید دولتها بپردازند و نه مردم!



انتخابات فرانسه: شکست احزاب سنتی، جدال چپ و راست!

محسن ابراهیمی

فرانسه یکی از سه قدرت مهم و تعیین کننده در هر دو عرصه سیاسی و اقتصادی قاره اروپا محسوب میشود. تغییرات سیاسی در این کشور، از جمله انتخابات و نتایجش وزن سیاسی بالایی دارد.

روز یکشنبه همین هفته نتیجه انتخابات ریاست جمهوری این کشور مهم در اروپا اعلام شد: انتخابات به دور دوم کشید و امانوئل مکرون با ۵۸ درصد آرا در مقابل مارین لوپن از حزب راست افراطی "اجتماع ملی" با ۴۲ درصد آرا، برای بار دوم به عنوان رئیس جمهور فرانسه به کاخ الیزه رفت. ژان لوک ملانشن از حزب چپ "فرانسه تسلیم ناپذیر" هم با فاصله ای حدودا یک درصد با مارین لوپن در دور اول نفر سوم شد که خود رایی قابل توجه بود. در این انتخابات، ۷۲ درصد واجدین شرایط - پایینتر از انتخابات قبلی ریاست جمهوری - پای صندوقها رفتند. یعنی عملا قریب ۳۰ درصد مردم فرانسه به انتخابات پشت کردند چون اعتماد ندارند که احزاب رقیب سنتی چپ و راست که نهایتا در چهارچوب نظام موجود بازی میکنند بخواهند و بتوانند تغییری ایجاد کنند. مکرون که تقریبا نصف رای بخشی از مردم فرانسه را کسب کرد، عملا توسط اکثریت انتخاب نشده است.

در نشریه لوموند دیپلماتیک به جمله ای برخوردیم که یک فاکتور دخیل در پیروزی مکرون را این طور فرموله کرده بود: "هر

بار که جبهه ی ملی در انتخابات فرانسه قدرت می گیرد، جبهه ی جمهوری خواهان نیز جان تازه ای می گیرد." در رسانه های خود فرانسه هم این روحیه سیاسی جامعه به این صورت منعکس میشود که برای شکست دادن مارین لوپن، شهروندانی دماغشان را گرفته و با اکراه به مکرون رای داده اند حتی اگر از سیاستهای او راضی نباشند. به این معنا، مکرون به درجه زیادی پیروزی خود را مدیون تلاش بخشی از جامعه برای شکست لوپن است. مدیون نگرانی جامعه فرانسه از قدرت گرفتن یک شخصت دست راستی افراطی است. واقعیت این است که کسب نیرو توسط راست افراطی به نوبه خود مدیون سیاستهای اقتصادی مکرون در خدمت طبقات دارای جامعه و علیه اقشار محروم جامعه است.

این معنی، مکرون به درجه زیادی پیروزی خود را مدیون تلاش بخشی از جامعه برای شکست لوپن است. مدیون نگرانی جامعه فرانسه از قدرت گرفتن یک شخصت دست راستی افراطی است. واقعیت این است که کسب نیرو توسط راست افراطی به نوبه خود مدیون سیاستهای اقتصادی مکرون در خدمت طبقات دارای جامعه و علیه اقشار محروم جامعه است. انتخابات فرانسه: شهادی بر یک روند سیاسی انتخابات فرانسه ادامه یک روند سیاسی است که مدتهاست در صحنه سیاسی نظامهای سرمایه داری و اینجا مشخصا در دموکراسیهای غرب آغاز شده است. وجه مشخصه این روند، بی اعتمادی رو به گسترش شهروندان به احزاب و مقامهای سیاسی است که برای سالهای طولانی در پوشش احزاب رقیب زمام امور این کشورها را در دست داشته اند. مقامهایی که شغل همه شان البته با تفاوتی پیاده کردن سیاستهای "ریاضت اقتصادی" به نفع اقلیت میلیاردر

هزاران زخمی و بازداشتی بر جای گذاشت. مقاومتی که در انتخابات اخیر به کاهش رای خود مکرون از ۶۶ درصد در ۱۹۹۷ به ۵۸ درصد ترجمه شد. این تجربه در چند دهه گذشته در خیلی از کشورهای غربی مشترک بوده که در نتیجه نارضایتی از وضع موجود و رویگردانی از احزاب سنتی که متناوبا زمام امور را بدست میگیرند، بخشهای وسیعی از جامعه به نیروهای متوسل میشوند که چه از چپ و چه از راست، در قالب مخالفت با احزاب سنتی و مستقل از آنها ظاهر میشوند. نسخه این روند در آمریکا رای بالای ترامپ از راست و برنی سندرز از چپ در مقابل کاندیداهای احزاب سنتی جمهوریخواه و دمکرات بود. نسخه بریتانیایی آن هم رقابت جیمز کوربین در مقابل بوریس جانسون بود. بروز اعتراضی و سیاسی این روند رویگردانی از نظم حاکم و احزاب سیاسی سنتی، جنبشهای معروف به اشغال میدانها بود که خیابانها و میدانهای کشورهای غرب را

برای مدتی طولانی به صحنه مصاف ۹۹ درصدیها علیه یک درصدی های حاکم تبدیل کردند. جنبشهایی که البته ابعادش گسترده تر از جغرافیای غرب بود و در برخی از کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه حتی دیکتاتورها را به زیر کشید. لوپن راسیست و فاشیست: شکستی که هنوز هشدار دهنده است! مارین لوپن رهبر سوپر راست، راسیست و فاشیست "اجتماع ملی" در انتخابات شکست خورد. حتما تعداد زیادی به حق از شکست یک شخصیت سوپر راست خوشحالند. اما در عین حال او بارایی قابل توجه یعنی ۴۲ درصد آرا شکست خورد. این دیگر مایه نگرانی و هشدار جدی است. این سیاستمدار راستگرا و فاشیست، مدافع سیاستهایی در جهت تخریب محیط زیست به نفع صاحبان سرمایه، بازگرداندن مجازات اعدام به جامعه فرانسه

ادامه از صفحه ۹

و برنامه بغایت ضدانسانسی علیه مهاجرین و پناهجویان است. او در دور اول انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، دوازده درصد آرا را به دست آورده بود.

در انتخابات پنج سال پیش رای او به ۲۸ درصد رسید. در انتخابات این هفته ۴۲ درصد رای آورد. یعنی نسبت به پنج سال

گذشته پیشروی کرده است که به جای خود نگران کننده و هشدار دهنده است.

بخشی از مردم فرانسه حتما به خاطر نارضایتی از وضع موجود و سیاستهای پنج ساله مکرون در جهت تعرض به خدمات اجتماعی به نفع طبقات دارا و رشد بیکاری و گرانی به دام تبلیغات پوپولیستی شخصیتی راست مثل لوپن افتاده اند. بی دلیل نیست که او برای جلب رای خود را طرفدار "عدالت اجتماعی" معرفی می‌کند و با وعده‌هایی مثل افزایش قدرت خرید و ایجاد شغل و کار برای بیکاران از طریق "حمایت هوشمندانه" در مقابل جهانی شدن ظاهر می‌شود. وعده‌هایی که انگار از دستور کار دونالد ترامپ کپی شده است.

در این میان، خدمات بیدریغ جنبش اسلامی را نباید از نظر دور داشت که با تروریسم عنان گسیخته علیه شهروندان در کشورهای غرب خدمات بزرگی برای ظهور جریانات راست و فاشیست انجام داده است.

فرانسه را به خود راه ندهند. انتخابات فرانسه و چپ! در کل این مطلب من واژه چپ را با مسامحه به کار برده‌ام. اینجا منظور از چپ نیرویی که خواهان فراتر رفتن از بنیادهای نظم موجود باشد نیست. عملا

"عادلانه" ثروت در چهارچوب نظامی که بنیادش بر بی عدالتی استوار است، تماما منوط به سطح و قدرت تحرک کارگری، جنبشهای عدالت طلبانه و فشار از پایین است. و هر چقدر چنین فشاری کمتر باشد همانقدر

انتخابات فرانسه ادامه یک روند سیاسی است که مدت‌هاست در صحنه سیاسی نظامهای سرمایه داری و اینجا مشخصا در دمکراسیهای غرب آغاز شده است. وجه مشخصه این روند، بی اعتمادی رو به گسترش شهروندان به احزاب و مقامهای سیاسی است که برای سالهای طولانی در پوشش احزاب رقیب زمام امور این کشورها را در دست داشته اند. مقامهایی که شغل همه شان البته با تفاوتی پیاده کردن سیاستهای "ریاضت اقتصادی" به نفع اقلیت میلیاردر و یک درصد صاحب مکتب جامعه در مقابل اکثریت ۹۹ درصدی بوده است.

توحشی که این جریانات در کوچه و خیابان و محل کار و زندگی شهروندان به نمایش گذاشتند، ترس و وحشت و انزجاری که در میان مردم شکل دادند، مساعدترین فضا را برای امثال مارین لوپن فراهم کرده است که سیاستهایش در قبال پناهجویان و مهاجرین خاطره دهشتناک نازیسم در آلمان را زنده میکند. سیاستهایی که براساس آن، رسما و عملا مهاجرین و پناهجویان باید از خدمات اجتماعی مربوط به مسکن و درمان و تحصیل آنچنان محروم شوند که حتی تصور مهاجرت و پناهندگی به

هم در کشورهای غرب، رادیکالترین نیروهای چپ دخیل در پروسه های انتخاباتی قصد فراتر رفتن از مناسبات سرمایه داری را ندارند. در بهترین حالت توزیع "عادلانه" تر ثروت و افزایش دخالت و مسئولیت دولت در قبال شهروندان را تعقیب می‌کنند. روشن است که همین سطح از تغییرات و اصلاحات به نفع طبقات پایین در مقابل تعرض عنان گسیخته راست به خدمات اجتماعی به نفع یک درصدیها ترجیح دارد. اما در عین حال تجربه نشان داده است که ابعاد و عمق این تغییرات و هر سطحی از توزیع

سریعتر همین چپ در قدرت به ماشین پیاده کردن برنامه های راست تبدیل می‌شود. تجربه سیریزا در یونان یک نمونه شاخص از این حقیقت است. رای بالای ژان لوک ملانشن در انتخابات اخیر نشان می‌دهد که جامعه فرانسه رویگردان از احزاب سنتی چپ و راست دنبال آلترناتیو هستند و یک حزب چپگرا با برنامه ای برای کاهش شکاف طبقاتی با استقبال وسیعی مواجه می‌شود. ملانشن، قبلا عضو حزب سوسیالیست بود. از این حزب جدا شد و هشت سال پیش حزب "فرانسه تسلیم ناپذیر" را

بنیان گذاشت که نسبت به احزاب سنتی سوسیالیست صریحتر و مشخصتر تامین عدالت اجتماعی را به عنوان اولویت برنامه ای اش اعلام کرد. بخشهای مهمی از برنامه اعلام شده او اینها هستند: افزایش دستمزد کارگران، توسعه برنامه‌های رفاه اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی، مالیات بر درآمد ۱۰۰ درصدی بر شهروندانی که درآمدشان بالاتر از ۳۶۰۰۰۰۰ یورو در سال است، تامین هزینه کامل مراقبتهای سلامت از سوی دولت و تسهیل قوانین مهاجرتی.

با این تصویر از برنامه حزبی است که ملانشن در دور اول انتخابات ۲۲ درصد رای آورد که فاصله چندانی با رای مکرون و لوپن نداشت که به ترتیب ۲۶ و ۲۴ درصد رای آوردند. ملانشن فقط با اختلاف حدود ۳۶۷۵۰۰ هزار رای در مقابل مارین لوپن توانست به دور دوم انتخابات راه یابد و با مکرون رقابت کند.

اگر به دور دوم رسیدن مارین لوپن راست و فاشیست مایه نگرانی و هشدار است، رای بالای ملانشن چپگرا در مقابل امیدوار کننده است. امیدوار کننده از این نظر که حمایت قابل توجه از یک حزب و کاندید



معلمان بخش رزمنده و پیشتاز و یکی از سازماتافته ترین بخش معترض جامعه هستند. معلمان در اعتراضاتشان با خواستهایی که جلو آورده اند امروز به فریاد رسای اعتراضات کل جامعه تبدیل شده اند.

سردبیر: نسان نودینیان

ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpiran.org

از اول هدف، ساختن بمب اتمی بود

سیاوش مدرسی



بعد از الدرمد بلدرم فایزه رفسنجانی از جبهه کارگزاران که برخلاف هارت و پورتهای مقام معظم رهبری و سران سپاه رسماً خواهان تحریم سپاه پاسداران شده بودند حالا نوبت هم باندیش علی مطهری است که ضربه شست دیگری از بالا به مافیای سید علی خامنه ای بزند. او گفته است از اول هدف حکومت تولید بمب اتمی بود.

کشمکش و چانه زنی و دلبری مافیای از هم گسیخته نکبت اسلامی با دولت "اسلام پناه" جو بایدن را همه میدانیم. نیازی به آمار و ارقام هزینه های میلیارد دلاری که خودشان جابجا اعلام میکنند هم نیست! ارقامی مثل حداقل دو هزار میلیارد دلار صرف انرژی هسته ای!

نه لازم نیست که به لیست چپاول سرداران و نکبتها و نکبت زاده هایی که از برکات فقر و فلاکت روزمره ای که به زندگی میلیونها انسان تحمیل کرده اند اشاره کرد! مگر کسی هست که نداند؟ کسی هست که شلاق گرانی 'دستگیری' سرکوب اطلاعات و بسیج و نهی از منکرات، این بند و آن سلول اوین و هر جهنم دره دیگری را تجربه نکرده باشد؟ این اعدام و آن خودکشی کردن را؟ ریزگرد خشکسالی ثروتهای

نجومی آقا زاده ها! اتوموبیل های آنچنانی کاخها، ویروس کرونا و مرگ، مرگ، مرگ! و روغن بنفشه را و فرمان قتل و کشتار خامنه ای و رها کردن مردم در

زیر تیغ شوم ویروس و طب اسلامی؟ و فقر و زندان و شکنجه و موعظه آخرت و شمر و حسین و این گفته و آن گفته امام و پیغمبر و آیه و حدیث لاشخورهایی که هر ساعت بر پیگر خود و خانواده اشان و روی سفره خالی و حقوقی که کفاف چند روز در ماه را هم نمیدهد نشسته اند را نداند و حس نکند؟ مگر روز مره موج اعتراضات و بیزاری و شعارهای بقول خودشان ساختار شکنانه میلیونها انسان را نمیشنوند؟

حقیقت این است که حکومت اسلامی سالهاست مشغول غنی سازی و چپاول تمامی منابع ثروت طبیعی و اجتماعی یک جامعه ۸۰ میلیون نفری است و بهایش را هم مردم داده اند و میدهند و سودش را

اوباش تروریست حاکم بر ایران و مزدوران منطقه ایشان برده اند و میبرند. این کیان اسلام است که در اهتزاز مرگ بارش است! اما این اولین بار است که یک مقام رسمی از مافیای حکومتی غلطان در چپاول و زر و زور و سر به مافیای بغل دستی خامنه ای که تا پیش از این عنوان بال دوم و همان اصولگرایی نام داشت حالا رسماً و همصدای با بال شکسته قبلاً اصلاح طلب علیه خامنه ای که قرار بود فصل الخطاب باشد و علیه پروپاگاندهای او رو به داخل کشویه اصطلاح افشاگری میکند.

ماجرای را شنیده ایم: علی مطهری آقا زاده آیت الله مطهری به فنا رفته و نور چشمی خمینی و خامنه ای به اسکای نیوز میگوید: "از اول ساختن بمب اتمی در دستور کار بود!" به اعتباری سید علی خامنه ای پلتیک زده شکر خورده، تقیه زده و دری وری توخالی صادر کرده اند. خوب این را همه میدانستیم چه مردم و چه آژانس انرژی اتمی و چه دولت جو بایدن و منافع ملی ایالات متحده آمریکایی!

اما تابحال نه یک مقام رسمی (و نه فائزه و نه اولاد ذکور آیت الله به فنا رفته مطهری از این حرفها زنده بودند. چه شده؟ چطور یکشنبه یادشان افتاده؟ نهایتاً ماجرا ختم بخیر میگردد! حالا بعد از ضربه زدن به مافیای خامنه ای عل مطهری پا پس کشیده و فرموده که مستمعین گرامی بد تعبیر کردند و گرنه آقا خودش گفته که استفاده از بمب اتم حرام است (یادمان باشد نگفته که تولیدش بد است) بمب اتم «اخ» است و حرام است. واقعیت این است که همه بازیگران سربه مافیاهای حاکم از سید علی تا حاج خانوم فائزه تا سرداران سپاه و رئیس جمهور و وکیل و وزیر و امثال علی مطهری نهی از منکراتی، خوب میدانند که باد از کجا میوزد؟! خوب میدانند که جامعه درحال انفجار است مردم نه دیگر تحمل مزخرفات این جناح آن

جناح را دارند و نه به اصطلاح افشاگری های امثال فائزه و مطهری را باور دارند.

بله این تنها یک اپیزود از کشمکش انقلاب و ضد انقلاب در ایران است. امواج کوبنده انقلاب از اعماق جامعه همه بالا دستی ها و به اصطلاح اپوزیسیون ملی، اسلامی، تمامیت ارضی ها و آویزانه ها به لباده کورش کبیر و اسلام بی آزار را مضطرب و پریشان کرده است.

سنگینی شمشیر داموکلیس لغو نظام بردگی، آزادی و اداره شورایی و درهم شکستن تمام باندها و موعظه گران به اصطلاح گذار آرام و وقت خریدن برای این نظام نکبت را سالهاست تجربه کرده اند و به زباله دان انداخته اند! نه ساعت و نه تاریخ به عقب باز نمیگردد! همه میدانند که نظام نکبت اسلامی با زور و ترور و ارباب باقی مانده و همه میدانیم که حکومتها را به زور پائین میکشند!

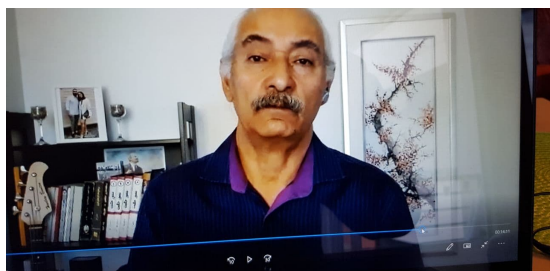
جامعه ایران تمام راه ها را

رفته است. تا امروز که مصالح کل جامعه با مصالح و برنامه های جناح رادیکال جنبش کارگری یعنی آزادی بی قید و شرط تشکل و اجتماعات آزادی و برابری زن لغو سیستم ستمکشی سرمایه و مصادره میلیاردها دلار سرمایه اجتماع و سلب مالکیت از سلب مالکیت کنندگان، مفت خورهای حاکم، اداره شورایی جامعه و دموکراسی مستقیم منطبق شده است.

هراسشان از همین است! لغو ستم، لغو بردگی، انحلال هر قدرت مافوق مردم، مصادره اموال به تاراج رفته و بازگشت ثروت مردم بر سفره میلیونها انسان، در دست گرفتن مقدرات خودمان در اعماق جامعه، مردم هیچ قدرت مافوق جامعه و نیابتی و ارباب و رعیتی را بر نمی تابند!

اینها هدفی است که در تمامی طول عمر سیاه و خون بار حکومت اسلامی حزب کمونست کارگری ایران در دشوارترین بحرانها و کشمکش بعنوان دادخواست کل جامعه و

نابود باد حکومت داعشی اسلامی



شروع دور تازه ای از اعتراضات دانشجویی

عبدل گلپریان

به میدان گذاشته است. اعتراض قدرتمند و کوبنده دانشجویان در چهارم اردیبهشت ادامه اعتراضات رادیکال و سرنگونی طلبانه دوره های گذشته دانشجویان است. این اعتراضات می تواند و باید در این دوره با تمام قدرت ظاهر شود و گسترش یابد.

تجمع چهارم اردیبهشت دانشجویان یکبار دیگر نشان داد که دانشگاه بیش از هر چیز پایگاه و مرکز برابری طلبی، سکولاریزم، ازادخواهی، دفاع از کرامت انسانی زن و جنبش دانشجویی صدای مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. دانشجویان اعلام کردند که در مقابل حراست و نیروی سرکوب آن خواهند ایستاد و قدرتمند تر از دوره های قبل برای تحقق مطالباتش و برای آنچه که شایسته انسان امروز است خواهند جنگید. شعارهای سر داده شده دانشجویان پیامی محکم به کل حاکمیتی بود که در مقابل سیل خروشان

در سالهای گذشته و در روز جهانی کارگر، دانشجویان همراه و همگام با کارگران و دیگر جنبشهای اجتماعی و اعتراضی، نقش قابل توجه و چشمگیری در این روز ایفا کرده اند. بازگشایی مجدد دانشگاهها در مقطع روز جهانی کارگر و شرکت و حضور دانشجویان در این روز می تواند فضای سیاسی و اعتراضی کنونی جامعه را بشدت متحول کند.

در شرایطی که فقر، بیکاری، گرانی، تورم و دستمزدهای زیر خط گرسنگی، محدودیت و محرومیت کل جامعه را بیش از پیش فراگرفته است و در شرایطی که طرحهای رسوای کنترل و ایجاد محدودیت برای زنان با عکس العمل تند و کوبنده دانشجویان مواجه می شود خشم و انزجار عمومی از حکومت اسلامی نیز ابعاد وسیع و بی سابقه ای نسبت به گذشته به خود گرفته است. جنبش دانشجویی همیشه به عنوان یکی از حلقه های اصلی جنبشهای اعتراضی علیه وضع موجود قدم

۱۰. حذف سرشماری شبانه خوابگاهها
۱۱. توقف امنیتی سازی دانشگاه و عدم حضور دوباره نیروهای نظامی
تجمع چهارم اردیبهشت اولین عرض اندام حضوری دانشجویان پس از بازگشایی دانشگاهها و پاسخ کوبنده و درخوری به جمهوری اسلامی و تمامی قوانین ضد زن و ارتجاعی اش در دانشگاهها بود. واکنش سریع و به موقع دانشجویان در برخورد به کنترل و محدودیتها، نوید بخش تقویت مبارزات و اعتراضات عمومی و اجتماعی است که هر روز در کف خیابانها جریان دارد. دانشجویان همگام و متحد با جنبشهای اعتراضی، کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخشهای مختلف جامعه، می توانند برجسته و چشمگیر همچون دوره های گذشته به ایفای نقش بپردازند.

تجمع اعتراضی دانشجویان شفاف و روشن تاثیر جنبش نونین رهایی زن را در فضای مبارزات دانشگاه و در پیوند با جنبش دانشجویی نشان داد. امروز پرچم رهایی زن، نه فقط در دست زنان و مدافعان حقوق زن، بلکه در دستان دانشجویان چپ و رادیکال نیز هست. دانشجویان در سراسر کشور می توانند همچون معلمان با فراخوان اعتراض وسیع به وضع موجود به میدان بیایند و همگام با زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان دور تازه ای از ابراز وجود و قدرت نمایی خود را به نمایش بگذارند.

نمیخوایم»، «خوابگاه دخترانه، یه بندی از زندانه»، «دانشگاه زندان نیست، دانشجو مجرم نیست» و «کرامت دانشجو، مهمتر از هر چیزی است» به راهپیمایی در صحن دانشگاه پرداختند.
دانشجویان تنها به این اعتراضات بسنده نکرده و با صدور بیانیه ای که در دانشگاه قرائت شد، مطالبات دانشجویان را اینگونه اعلام کردند.

۱. تشکیل شورای نظارت بر حراست
۲. توقف دخالت در امور شخصی دانشجویان و زیست دانشجویی و به رسمیت شناختن حق آزادی انتخاب
۳. شفاف شدن عملکرد حراست، انتشار آیین نامه ها و مصوبه ها به صورت علنی
۴. مشخص شدن هویت نیروهای حفاظت فیزیکی! (افراد باید اتیکت اسمشان را روی بیرونی ترین لباسشان نصب کنند)

۵. توقف گشت زنی در سطح دانشگاه، حذف و عدم استعمال موتورسیکلت و وسایل نقلیه موتوری توسط حفاظت فیزیکی

۶. برخورد با عاملان ضرب و شتم یک دانشجو
۷. توقف ممانعت از

فعالیت های دانشجویی سیاسی، مدنی، صنفی و فرهنگی
۸. توقف پیگرد کمیته انضباطی دانشجویانی که اخیرا احضار شده اند
۹. رفع محدودیت رفت و آمد خوابگاهها

بعد از دوسال از بسته شدن دانشگاهها به دلیل کوید ۱۹، بنا به فراخوان از قبل اعلام شده دانشجویان، صبح روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ماه صدها نفر از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به میدان آمده و نسبت به فضای پادگانی دانشگاه و دیگر اقدامات سرکوبگرانه حراست در تحمیل فشار بیشتر بر دانشجویان دختر از جمله حجاب اجباری و دیگر محدودیتها در خوابگاه دست به اعتراض زدند.

اعتراض یکی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و ضرب و شتم او توسط نیروی حراست، بر شدت خشم دانشجویان این دانشگاه افزود. دانشجویان علم و صنعت در برابر ماموران حراست دانشگاه و علیه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی با تمام قدرت ایستادند و خشم و نفرت خود از بساط کنترل و سرکوب را به گونه ای باشکوه به نمایش گذاشتند

ویدئوهای متعددی از تجمعات اعتراض آمیز در دانشگاه های امیرکبیر، تهران و علم و صنعت منتشر شدند که در آن دانشجویان علیه سیاستهای حراست دانشگاه در رابطه با پوشش دانشجویان زن دست به اعتراض زدند. در این تجمع دانشجویان با سر دادن شعارهایی علیه حراست دانشگاه نظیر: «حراست بترسید، ما همه با هم هستیم»، «حراست آلت دست قدرت»، «چقدر پول گرفتی، بیسیم به دست گرفتی»، «حراست پلیسی نمیخوایم،



علیه گرانی و فقر، وعلیه جمهوری اسلامی باید به پا خاست!

محمد شکوهی



گرانی و افزایش هر روزه قیمت کالاهای اساسی، معیشت و گذران و زندگی اکثریت بزرگی از جامعه را به فقر و فلاکت رانده است. وضعیت در سال جدید بدتر هم خواهد شد.

بنابر گزارشات نهادهای حکومتی، افزایش قیمت کالاهای اساسی در دوازده ماه منتهی به فروردین امسال، رقمی بین ۴۱ تا ۶۱ درصد در بخش های مختلف کالاهایی نظیر مواد غذایی و آشامیدنی بوده است. در کنار آن افزایش قیمت خدمات، انواع دارو ۳۵ تا ۴۰ درصدی و تعرفه های پزشکی به بالاترین سطح در چند سال اخیر رسیده است. در این میان دولت آیت الله قاتل رئیسی و نهادهای آمارگیری اش با وقاحت می گویند، گرانی مواد غذایی با توجه به "اوضاع جدید جهان و جنگ در اوکراین" باز هم سیر صعودی خواهد داشت. همزمان دولت رئیسی بحث حذف ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی را باز کرده است. معیشت و زندگی یک جامعه ۸۰ میلیونی با مخاطرات حدی روپرو شده است. مرور کوتاه به روایت حکومتی از گرانی قیمت کالاهای اساسی.

* گرانیها در بخش خوراکی ها مرکز آمار گرانی های مواد خوراکی و آشامیدنی در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۴۰۱ را بالای ۵۰ درصد اعلام کرده

اند. بر اساس این گزارش، قیمت مواد خوراکی در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۴۰۱ شامل نان و غلات ۴۸ درصد، گوشت قرمز و ماکیان ۴۱ درصد، ماهی ۶۰ درصد، شیر و پنیر و تخم مرغ ۵۷ درصد، روغن ۵۳ درصد، میوه و خشکبار ۴۲ درصد، سبزیجات و حبوبات ۶۴ درصد، شکر و مربا و عسل و شیرینی ۵۸ درصد، و قیمت چای و قهوه ۵۰ درصد بوده است.

* گرانی ها در بخش غیر خوراکی ها تورم و افزایش قیمتها در بخش پوشاک و کفش ۵۰ درصد، مسکن و آب و برق و گاز ۲۶ درصد، مبلمان ۴۳ درصد، بهداشت و درمان ۳۷ درصد، حمل و نقل ۳۶ درصد، تفریح و فرهنگ ۳۷ درصد، هتل و رستوران ۶۱ درصد و آموزش ۲۵ درصد و دخانیات ۳۵ درصد اعلام شده است.

* گرانی ها در بخش خدمات و حمل و تعرفه های پزشکی در سال جاری دولت رئیسی اوایل هفته گذشته رسماً افزایش قیمت های زیر را برای خدمات اعلام کرد * افزایش ۲۵ تا ۳۰ درصدی قیمت بلیط قطار، کرایه مسافران و حمل کالا * افزایش ۱۹ تا ۲۴ درصدی تعرفه های پزشکی بخش دولتی؛ ۲۴ درصد در بخش خصوصی * افزایش ۷۰ درصدی نرخ

کرایه اتوبوس های بین شهری * افزایش ۳۵ تا ۴۰ درصدی قیمت ۵۶۰ قلم دارو در سال گذشته * افزایش قیمت پلکانی انواع سوخت نظیر گاز برق؛ بین ۳۵ تا بالای ۵۰ درصد. افزایش ۱۵ درصدی قیمت آب، قیمت بنزین را هنوز رسماً اعلام نکرده اند.

* تورم نقطه به نقطه یا افزایش قیمت کالاهای خدمات در فروردین ۱۴۰۱ نسبت به فروردین ۱۴۰۰ نزدیک به ۳۷ درصد، تورم نقطه ای خوراکی ها و آشامیدنی ها و دخانیات نزدیک به ۴۳ درصد و تورم نقطه ای غیر خوراکی ها و خدمات نزدیک به ۳۲ درصد بوده است. مرکز آمار و بانک مرکزی با استناد به آمارهای خودشان به این نتیجه رسیده اند که قدرت خرید عمومی مواد غذایی نیروی کار نسبت به اوایل سال ۱۴۰۰ به میزان ۳۵ درصد و در پایان این سال به میزان ۴۵ درصد تنزل یافته است. لازم به توضیح است دولت نرخ تورم را امسال زیر ۴۰ درصد اعلام کرده است.

* افزایش کرایه خانه یا گرانی مسکن طبق گزارشات مرکز آمار هزینه های تامین مسکن بیش از نصف درآمد خانوارها را می بلعد. این میزان در شهرهای بزرگ نزدیک به ۶۲ درصد و میانگین شهرهای دیگر کشور ۵۱ درصد است. این آمار مربوط به اواسط سال ۱۴۰۰ است. اجاره بها در سال گذشته بیش از ۵۰ درصد رشد داشت.

حکومت، در کنار تحمیل ریاضت کشی اقتصادی که در مفاد بودجه امسال تصویب و به اجرا گذاشته اند، سال بسیار سخت و پر مشقت برای کارگران و حقوق بگیران را رقم خواهد زد.

در این میان موضوع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کالاهای اساسی هم در بین دولت و مجلس داغ شده است. در صورت حذف ارز دولتی گرانی اقلام اساسی مورد نیاز مردم باز هم گراتر خواهد شد.

نزدیک به نصف کالاهای مورد مصرف عموم وارداتی و با ارز دولتی است. واردات این کالاها در دست باندها و مافیای عظیم حکومت است که با ارز ۴۲۰۰ تومانی صورت میگیرد. بر اساس آمار و ارقام حکومتی، سالانه بین ۷ تا ۹ میلیارد دلار ارز دولتی برای واردات اختصاص می یابد.

علیرغم ادعاهای رژیم که می گوید ارز دولتی برای جلوگیری از افزایش قیمت

سازندگان مسکن، بساز و بفروش ها و شرکتهای دولتی در باره دلایل افزایش قیمت مسکن و اجاره بها اواخر اسفند سال گذشته گفته بودند: " قیمت نهادهای ساختمانی، مصالح ساختمانی و.. در یک سال اخیر تا ۵۰ درصد افزایش یافته و این مساله منجر به کاهش تولید مسکن شده است. طبیعتاً باید با فشار تقاضا در بازار مواجه باشیم که قدرت خرید ندارد و این فشار به شکل رشد اجاره بها بروز کرده است." همینها در پیش بینی وضعیت مسکن برای سال ۱۴۰۱ اعلام کرده اند که گرانی مسکن و افزایش اجاره بها کمتر از سال ۱۴۰۰ نخواهد بود. یعنی افزایش اجاره بهای مسکن سال قبل، فعلاً برای امسال هم اعمال خواهد شد.

* ارز دولتی علت گرانی ها و رانت ها و دزدیهای نجومی نگاهی به میزان افزایش قیمت کالاها و خدمات در فروردین ماه که دولت رسماً اعلام کرده، نشان می دهد که سیاستهای ویرانگر ارزی و مالی

ادامه از صفحه ۱۳

کالاهای اساسی و مهارگرانی هاست، دیوان محاسبات رژیم و مجلس در گزارشاتی اعلام کرده اند که خود این سیاست ارز چند نرخی، بویژه ارز دولتی نتوانسته جلوی افزایش قیمتها را بگیرد. اینها اعتراف میکنند که وارد کنندگان، ارز ۴۲۰۰ تومانی را از دولت دریافت میکنند و با واردات کالاها، قیمت گذاری اجناس را با نرخ ارز نمایی، به قیمت ۲۳ هزار تومانی و خشا بازار آزاد، نزدیک به ۲۹ هزار تومان انجام داده و خود همین یکی از اذلال دیگر گرانی هاست.

بخش دیگر ارز دولتی صرف رانت و لغت و لیس باندهای دزدان حکومتی در پروسه واردات و توزیع کالاهای اساسی در بازار میشود. میزان رانت فقط در این بخش بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است. یک بخش دیگر ارز دولتی صرف واردات اقلامی میشود که ربطی به رفع نیاز مردم به کالاهای اساسی ندارد. بر اساس گزارشات حکومتی صدها میلیون دلار ارز دولتی صرف واردات کالاهایی شده که مورد مصرف عموم نداشته و بخشا کالاهای لوکس برای باندهای ثروتمند وابسته به حکومت و بیت رهبری و امثالهم بوده است.

اینها آمار و ارقام حکومتی از افزایش گرانی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در بخش های خوراکی ها، آشامیدنی، خدمات است. میزان واقعی گرانی ها و تاثیرات آن برسقوط هر روزه قدرت خرید کارگران و مردم، به مراتب بیشتر و اسفناک تر است. قدرت خرید مردم رابطه مستقیم با میزان دستمزدها و افزایش حقوق ها دارد. حتی اگر افزایش حقوق های وعده داده شده ۵۷ درصدی را مبنا بگیریم، این افزایش در مقایسه با ادامه گرانی های روزمره قیمت کالاهای اساسی، عملا تاثیری بر افزایش قدرت خرید مزدبگیران برای تامین اقلام ضروری سبد غذایی

ندارد. نهادهای آمارگیری حکومتی خود با وقاحت اعلام کرده اند که "مردم باید منتظر گرانی های بازهم بیشتری باشند!" جمهوری اسلامی و سیاستهای اقتصادی اش، بویژه سیاستهای ارزی و مالی و تصمیمات بشدت ضد مردمی اش عامل اصلی تورم و افزایش سرسام آور گرانی هاست. سیاست درآمد زایی برای دولت از قبل مدیریت گرانی ها، در کنار مجراهای ارز دولتی، نقش دولت به عنوان وارد کنند و عرضه کننده کالاهای اساسی از دلایل عمده و اصلی افزایش گرانی ها و ادامه این وضعیت در سال

جاری است.

برای مقابله با گرانی ها باید متحد و یکپارچه بپاخاست. اکنون که در آستانه اول مه روز جهانی کارگر هستیم، کارگران و حقوق بگیران و همه مردم ضمن محکوم کردن سیاست های ویرانگر جمهوری اسلامی در تحمیل گرانی های سرسام آور بر مردم، باید خواهان افزایش دستمزدها بالای ۱۶ میلیون تومان شوند که بخشهایی از کارگران طرح کرده اند. باید کل جامعه و در پیشاپیش آنها، کارگران، معلمان و پرستاران و بازنشستگان در این روز ضمن اعتراض سراسری به این همه گرانی و فقر و فلاکت، با صدای

دادستانی سوئد برای حمید نوری تقاضای حبس ابد کرد!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۹ آوریل ۲۰۲۲



انتظار رسیدن چنین روزی بوده ایم. با اینکه دادگاه هنوز حکم خود را صادر نکرده است ولی شنیدن درخواست حبس ابد برای حمید نوری از سوی دادستانی سوئد تاییدی بر این واقعیت بود که دادخواهی ما دارد ثمر می دهد. این خبر موجب خوشحالی همه ما و بویژه خانواده هایی شد که عزیزانشان توسط رژیم آدمکش جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند. در بیرون از دادگاه استکهلم عکسی از شماری از اعضای خانواده های دادخواه گرفته شده است که شادی وصف ناپذیر آنها را از صدور رای دادستانی سوئد بیان میکند.

کمیته بین المللی علیه اعدام خود که به سهم خود تلاش کرد صدای خانواده های دادخواه

روز پنجشنبه ۲۸ آوریل ۲۰۲۲ در تاریخ مبارزات مردم ایران برای دادخواهی ثبت خواهد شد. این روزی است که بعد از برگزاری ۸۸ جلسه دادگاه در استکهلم، دادستانی سوئد برای متهم این دادگاه یعنی حمید نوری که در قتل زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ مشارکت داشته است تقاضای حبس ابد کرد. در این جلسه دادگاه دادستان سوئد گفت که تصویر واضحی از آنچه در محدوده زمانی مورد نظر در زندان گوهردشت اتفاق افتاد، به دست آورده اند. وی زندان گوهردشت کرج در آن زمان را "کارخانه کشتار" توصیف کرد.

از زمان دستگیری حمید نوری در نوامبر (آبان) سال ۲۰۱۹ تا به امروز همه در

جمهوری اسلامی اطمینان می دهیم که "نه میبخشیم و نه فراموش می کنیم!" پیروزی از آن مردم دادخواه ایران است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۲۹ آوریل ۲۰۲۲

دادگاههای بین المللی و یا در دادگاههای مردمی زمانی که به قدرت انقلاب مردم ایران این رژیم آدمکش سرنگون شود. این روز نزدیک است و ما به همه دادخواهان در ایران و به همه جان بدربرندگان جنایات

باشد خود را در این شادی و موفقیت بزرگ سهیم می داند و اعلام میکند که این تازه شروع کار است. تمامی جانایان اسلامی حاکم بر ایران باید در انتظار روزی باشند که به دست عدالت سپرده شوند. یا در

در دفاع از خیزش آبان حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۶

شعار مردم بود، شعاری مثل ننگ ما رهبر الدنگ ما فریاد زده میشد. ما دیدیم که در ادامه همین حرکت شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد، سر داده شد. سپاه جنایت میکند، رهبر حمایت میکند

شعار داده شد. مردم خشمگین علیه بسیجی ها، و علیه سپاه شعار دادند. در کنار شعارهای سیاسی و رادیکال شیوه های مبارزه هم شیوه هایی

بود که نشان میداد مردم دارند پایه های این حکومت را هدف قرار میدهند. مثل حمله به مقرات نیروهای ضد شورش، نیروهای سرکوبگر، مثل حمله به بانکها بعنوان سمبل فقر و بی حقوقی و دزدی که در جامعه بیداد میکنند، مثل بدست گرفتن محلات، کنترل محلات و تشکیل جمع های محلی که اسلحه را از دست نیروهای سرکوبگر در می آوردند. در چندین محله این اتفاق افتاد، اینکه مردم خودشان مجروحین و مصدومین تظاهرات را به خانه هایشان میبردند، چون به بیمارستانهای حکومت اعتمادی نداشتند و میدانستند عزیزانشان از بیمارستانها راهی زندانها خواهند شد؛ خود سازماندهی که به این ترتیب شکل گرفت؛ تمام اینها از خصوصیات جنبش آبان بود. اینها نشان میدهد که این حرکت اولاً فقط اقتصادی نبود، فقط علیه گرانی نبود و ثانیاً شورش کوری که مردم بی سازمان میریزند به خیابان و سرکوب میشوند هم نبود. مردم به خودشان سازمان دادند و در برابر حکومت ایستادند.

خیزش ۹۸ تجربیات و دستاوردهایی داشت مثل کنترل محلات، مثل دست به اسلحه بردن جوانان بعضی محلات و پی بردن به این واقعیت که برای

گردانی و نعش گردانی براه بیندازد، مردم ریختند علیه سپاه پاسداران شعار دادند، پوسترهای سلیمانی را به آتش کشیدند، شعار پاسدار جنایت میکند بعد

نتیجه ای که مردم گرفتند این بود که این حکومت باید نابود گردد؛ این حکومت قاتل مردم است؛ این حکومت به هوایمای مسافربری شلیک کرده است؛

حرکت اصیل به این معنا که بتواند تغییرات ریشه ای ایجاد کند و یک نظام مملو از فقر و بی حقوقی و ظلم و ستم و شکنجه و کشتار مثل جمهوری اسلامی را ریشه کن کند تنها حول حرکات و خیزشهای کارگران و بخشهای محروم جامعه میتواند شکل بگیرد؛ حرکتی که فقرا، بیکاران، کارگران، حاشیه نشینان اینها موتور اصلی اش و نیروی محرکه اصلی اش باشند.

اینکه بتوانیم این حکومت را به زیر بکشیم بالاخره باید به اسلحه دست برد، و کلا رابطه ای که بین مردم و دولت بوجود آمد بعنوان دو جبهه دشمن. مردم دیگر از ۹۸ به بعد به دولت بعنوان اداره کننده امور نگاه نمیکند، بلکه آنرا دشمنی میدانند که میزند، میکوبد، میکشد و چپاول میکند تا خود را در قدرت نگاهدارد. آبان ۹۸ آغاز جنگ بود. یک جنگ علنی، صریح و آشکار بین مردم و جمهوری اسلامی.

نکته دیگر این است که خیزش آبان گرچه نام یک ماه را بر خود دارد ولی به آبان محدود نماند. از ۲۴ آبان شروع شد و تا دیماه و بهمن ماه ادامه پیدا کرد. اتفاقاتی که در این میان افتاد مثل شلیک به هوایمای مسافربری، مثل کشته شدن قاسم سلیمانی که هر کدام از اینها را حکومت به دست گرفت برای اینکه حرکت مردم را تحت الشعاع قرار بدهد، منحرف کند و منکوب کند، به عکس خودش تبدیل شد. بعد از قضیه سلیمانی که حکومت میخواست حول آن تعزیه

از قضیه سلیمانی سر داده شد. قضیه شلیک به هوایما هم همینطور. وقتی حکومت به آن جنایت دست زد مردم با شعار دروغگو، دروغگو جوابش را دادند و انگشت اتهام را بدست بطرف جمهوری اسلامی گرفتند. میخوام بگویم که فقط یک شورش نبود که گویا قیمت بنزین گران شد و مثلاً مردم در عرض چهار روز و یا یک هفته به خیابان ریختند و بعد سرکوب شدند و بخانه رفتند. بهیچوجه اینطور نبود. تمام این تحولات در ادامه آبان ۹۸ اتفاق افتاد و من اینرا جزئی از خیزش آبان میدانم. بنظر من در این خیزش مردم رو در رو علیه سپاه ایستادند، علیه مقدسات حکومت مثل همین سردار سلیمانی ایستادند، در جنایت شلیک به هوایما مردم فوری دست حکومت را خواندند و علیه اش به خیابان آمدند. در دیماه بود که دانشجویان در ادامه این حرکتها از جانب کل جامعه به میدان آمدند با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد. بنظر من این شعار جمعبندی کل خیزش ۹۸ بود.

این حکومت به مردم شلیک کرده است؛ نزدیک به ۱۵۰۰ نفر را کشته است و وقتی روشن شد که به سر شلیک کرده اند با کمال وقاحت اعلام کردند که فقط به سر شلیک نکردیم به پا هم شلیک کردیم! بدنبال همین قضیه بود که که خامنه ای اعلام کرد مستضعف بی حقوق ها و کوچ نشین ها نیستند. گفت این تعبیر اشتباهی است و مستضعف یعنی اولیای الله! یعنی خودش و خانواده آیت الله های میلیاردر! مردم همه اینها را دیدند و تجربه کردند. روشن شد که این حکومت حتی آن ظاهرسازی مستضعف پناهی اش را هم کنار گذاشته است و بعنوان دشمن مردم، دشمن آشکار و صریح مردم به جامعه اعلان جنگ داده است.

از همه این نظرها خیزش آبان هم از نظر شکل و هم از نظر مضمون، از نظر شعارها از نظر تجربه و دستاوردهای بخشهای مختلف جامعه که در آن شرکت کردند، بسیار از یک اعتراض به گرانی بنزین و عصیان و فوران خشم فراتر رفت.

حسن صالحی: قیام و خیزش آبان ۹۸ را جمهوری اسلامی سرکوب کرد و ۱۵۰۰ کشته دادیم و نزدیک به هفت یا هشت هزار نفر را دستگیر کردند و مورد شکنجه قرار دادند. آیا از نظر شما نفس سرکوب این حرکت عظیم مردمی میتواند دلیلی باشد در رد این اعتراض؟ این که این اعتراض اشکال داشت، توانایی نداشت یا مسائلی از این قبیل؟

حمید تقوایی: بهیچوجه. ممکن است که شما وارد تحلیل اعتراضات بشوید و بگویید نقاط ضعف و قوتش چه بود. این بحث جداگانه ای است ولی اگر کسی نقش سرکوب را نشانه اشتباه بودن یک حرکت اعتراضی بداند بنظر من متوجه حقیقت نیست. یک روایت دولتی و یا توصیف دشمن از اعتراضات را قبول کرده است چون این قصد جمهوری اسلامی و هر دیکتاتوری است که نشان دهد اگر اعتراض بکنید کشته میدهید، بنابراین ساکت بنشینید و زندگی تان را بکنید. گفتند حمله به بانکها و حمله به مقر سپاه و غیره کار دشمن خارجی است، کار صهیونیستهاست و غیره و به مردم شلیک کردند حالا کسی به این نتیجه برسد که اشتباه کردیم چون به ما شلیک کردند در واقع همان نتیجه ای را میگیرد که جمهوری اسلامی میخواهد به مردم القا کند.

نکته دیگر اینکه در عقب راندن خیزش ۹۸ همانقدر سرکوب نقش داشت که پاندومی کرونا نقش داشت. اگر بخاطر داشته باشید در نهایت با

در دفاع از خیزش آبان حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۱۵

اوجگیری پاندومی کرونا بود که تظاهرات ها محدود شد. اگر شیوع این بیماری نبود روند اعتراضات و تظاهراتها به این ترتیب بریده نمیشد.

نکته بعدی این است که حرکتی با سرکوب کاملاً متکوب شده و شکست می خورد که بعد از آن جامعه در سکون و سکوت و خفقان فرو برود. نمونه اش کودتای ۲۸ مرداد است، اعتراضات دهه بیست و سی در ایران را با کودتای ۲۸ مرداد

کوبیدند و بعد از آن حرکت‌های اعتراضی خاموش شد و شرایطی ایجاد شد که به آن می‌گفتند گورستان آریامهری. سکون و رکودی که تا ۲۵ سال بعد، تا اعتراضات ۵۶ و انقلاب ۵۷ ادامه پیدا کرد. نه فقط در ۹۸ بلکه در ۹۶ و در ۸۸ و در همه خیزش‌های شهری جمهوری اسلامی نتوانسته است جامعه را به سکون و سکوت بکشاند. نه تنها جامعه خاموش نشده، نه تنها کسی مرعوب نشده، بلکه اعتراضات وسیعتر و رادیکالتر هم شده است. در ۹۸ هم این را دیدیم و در ۹۶ هم این را دیدیم. می‌خواهم بگویم ممکن است که اعتراضی را سرکوب کنند ولی نمیتواند جامعه را شکست بدهند. اینها دو مقوله متفاوت است. نمیتواند مردم را پشیمان کند، مردم را منصرف کند، مردم را خانه نشین کند، و هدف سیاسی سرکوب همین است. بنابراین از نظر سیاسی میتوان گفت سرکوب‌های جمهوری اسلامی شکست خورده است. هیچکدام از یورش‌هایی که

جمهوری اسلامی به مردم کرد باعث نشد که مردم لب فرو بینند، ساکت بشوند و به زندگی روزمره شان بپردازند. بهیچوجه اینطور نشده است.

قبل از اینکه به پیامدهای این خیزش بپردازیم یک نکته پایه ای تری را اینجا بگویم و آنهم این است که این نوع تحولات در خلا اتفاق نمی افتد بلکه در یک

صدای رسای کل جامعه است علیه جنایات حکومت که مادران خاوران هم به آن پیوستند. محور دیگر این دادخواهی خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما

اکثریت عظیم مردم، مجموعه افراد تحت ستم جامعه که اقلیت متوسط را هم در بر میگیرد و امروزه باصطلاح به آنها ۹۹ درصدی ها میگویند، آنها هم اگر بخواهند آزاد بشوند باید متکی بشوند به حرکت اعتراضی کارگران و اقشار محروم و فرودست جامعه.

از تیرماه ۷۸ به بعد ما خیزش‌های متعددی در ایران داشتیم که یکی بعد از دیگری شکل گرفته و همه هم به این معنا عقب رانده شده است، جمهوری اسلامی با زندان شکنجه و شلیک به مردم جلوش ایستاده است ولی هیچکدام از این حرکتها و نقطه اوج ها باعث نشده است که جامعه در سکوت فرو برود و اختناق زده بشود. یعنی شرایطی که گورستان آریامهری در ایران ایجاد کرده بود. از این نظر من می‌خواهم بگویم سرکوب‌های جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و استراتژیک موفق نبوده، شکست خورده و امروز در نتیجه جمهوری اسلامی با یک جامعه بسیار رادیکالتر، تعرضی تر و پر اعتراض تر از ۹۸ روبرو است.

حسن صالحی: ما بعد از آبان ۹۸ تا امروز که داریم صحبت میکنیم شاهد اتفاقات زیادی بودیم، پیامدها و تاثیرات این خیزش بر روی این اتفاقات و تحولات چه بود؟
حمید تقوایی: اجازه بدهید

روندی اتفاق میافتد که هم به اتفاقات قبل از خودش متکی است و بر دوش آنها قرار گرفته و در نتیجه سنتزی، یک نتیجه و برآیندی از آن تحولات گذشته است و هم رو به آینده تاثیرات زیادی بر فضای اعتراضی و مبارزاتی در جامعه دارد. خیزش آبان هم دقیقاً همینطور بود قبل از ۹۸ ما با اعتصابات گسترده کارگری روبرو بودیم که خود آنها به یک معنا نتیجه ۹۶ بود. بین ۹۶ و ۹۸ ما شاهد مجموعه ای از اعتصابات کارگری، اعتراضات زنان، مبارزه علیه اعدام و غیره بودیم که همه اینها در ایجاد آن فضایی که به ۹۸ منجر شد موثر بود و خیزش ۹۸ هم بنوبه خود بر تحولات بعدی تاثیر مهمی داشت.

در مورد پیامدها پرسیدید. پیامدها را من دستاورد مینامم. دستاوردهای ۹۸ این بود که اولاً بخش‌های مختلفی از جامعه به مبارزه پیوستند. بعنوان نمونه مادران آبان که یک نهاد مهم اعتراضی است و میدانیم دادگاه آبان تریبونال را براه انداخت. یک

است که ریشه این حرکت هم به خیزش ۹۸ میرسد. خانواده های قربانیان هواپیما، مادران قربانیان شلیک به مردم در آبان ۹۸ و مادران خاوران سه محوری هستند که یک جنبش عظیم دادخواهی را نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی به پیش میبرند. این یکی از دستاوردها و نتایج ۹۸ است.

ثانیا ما می بینیم بعد از ۹۸ اعتراض به جمهوری اسلامی و جنبشی که به آن میگویم جنبش سرنگونی طلبانه بسیار صریحتر و علنی تر، بسیار شفافتر و گسترده تر شده است. در انتخابات رئیسی مادران آبان، مادران خاوران مادران دادخواه اعلام کردند رای ما سرنگونی است. علناً با اسم و رسم این را گفتند. در فضای مدیای اجتماعی، در فضای جامعه، در سطح خیابان این گفته شد؛ شعار جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم که در ۹۸ گفته شد بطرق مختلف در بیانیه‌ها، در فراخوانها، در پتیشن ها و طومارها، در مدیای اجتماعی و در کف خیابان

منعکس شد. حتی از جانب دواوردی های سابق و اسبق از جانب جناح های حکومت زبان تعرض به خامنه ای خیلی صریحتر شد. بدون ۹۸ این اتفاق نمی افتاد. بعد از ۹۸ بود که گفته هائی مثل ما را میخواهند بدریا بریزند و یا طوفانی در راه که همه را خواهد برد که احمدی نژاد و امثالهم میگویند تبدیل شد به نقل محافل حتی خودی های حکومتی. اینها همه از پیامدهای ۹۸ بود ولی مهمتر از همه اینها ۹۸ را کارگران هفت تپه با خلق

ید از اسدیگی و با تشکل شورای ۵ هزار نفره و اعلام اداره شورایی ادامه دادند، خیزش ۹۸ را کارگران نفت با اعتصاب سراسری و قدرتمند خود ادامه دادند، معلمان با اعتراضات گسترده شان و بازنشستگان با یکشنبه های اعتراضی ادامه دادند. امروز این سه جنبش مهم، جنبش معلمان، جنبش کارگران پیمانی نفت که اعتصاب جدیدی را شروع کرده اند و جنبش بازنشستگان دست در دست هم دارند به استقبال اول ماه مه میروند. اینها گرچه اتفاقاتی است که در خود قابل بررسی است و ربط مستقیم و خطی ای هم ممکن است به خیزش ۹۸ نداشته باشد ولی نتیجه فضای اعتراضی ای است که ۹۸ در جامعه ایجاد کرد. فضائی که حکومت را مجبور کرد که به یکی از منفورترین و رسواترین مهره های خود یعنی رئیسی متوسل بشود. در یکی از سوت و کور ترین و دست ساز ترین و بی معنی ترین انتخابات، رئیس جمهوری را از صندوق بیرون آوردند که امروز نزد ایرانیان **دن صفحه اول** همان

در دفاع از خیزش آبان حمید تقوایی

رئیس و جناح اصولگرا او را بیسواد و بی کفایت مینامد، چه برسد به مردمی که رئیس جمهور جلاد را در مدیای اجتماعی و در شعارهای خیابانی سکه یک پولش کرده اند. اساسا این خیزش ۹۸ بود که جمهوری اسلامی را به این روز انداخت.

بعد از ۹۸ حرکات اعتراضی و جنبشهای اجتماعی عمیق تر و گسترده تر، و بحران حکومت شدید تر و همه جانبه تر شده است. امروز جامعه ای معترض و پیا خاسته در برابر یک حکومت بحرانزده و

منفور قرار گرفته است. جنبش کارگری، جنبش معلمان و جنبش دادخواهی، جنبش بازنشستگان و جنبش زنان، جنبش علیه اعدام که بعد از اعدام نوید افکاری اوج تازه ای گرفت، اینها مهمترین جنبش هایی هستند که این دوره گامهای بلندی بجلو برداشتند.

بله ۹۸ ادامه پیدا نکرد، خیزشهای طوفانی در جامعه نمیتوانند هم بیشتر از چند ماه ادامه پیدا کنند، ولی ۹۸ گم نشد، ۹۸ بیهوده نبود، ۹۸ اشتباه نبود، بخاطر اینکه این تاثیرات عمیق را در فضای اجتماعی جامعه ایران بجا گذاشت.

حسن صالحی: اینکه این اعتراضات استمرار داشته باشد و به هم پیوسته شود، برای انجام این چه راهکارهایی را شما پیشنهاد دارید؟

حمید تقوایی: نکته اول این

است که خیزش ها یک حرکتی عینی و واقعی در جامعه هستند. مثلا عده ای میگویند انقلاب ۵۷ در ایران

نشین ها بودند. فاکتور دیگری که پیروزش کرد اعتصاب کارگران نفت بود. امروز هم همین طبقه است که در جلوی

در یکی از سوت و کورترین و دست سازترین و بی معنی ترین انتخابات، رئیس جمهوری را از صندوق بیرون آوردند که امروز نزدیکترین افراد به خود همان رئیس و جناح اصولگرا او را بیسواد و بی کفایت مینامد، چه برسد به مردمی که رئیس جمهور جلاد را در مدیای اجتماعی و در شعارهای خیابانی سکه یک پولش کرده اند. اساسا این خیزش ۹۸ بود که جمهوری اسلامی را به

اشتباه بود، ولی انقلاب جنگ نیست. شما میتوانید بگویید که حمله روسیه به اوکراین اشتباه بود، روسیه میتوانست این حمله را نکند ولی انقلاب از اعماق جامعه میجوشد، مسائل زیادی باعث میشود که مردم نتوانند اوضاع را تحمل کنند و علیه اش به خیابان بیایند، نمیشود حکم داد که اشتباه بود. خیزش های شهری هم همینطور. بحث بر سر اشتباه نیست بلکه نکته اصلی این است که چطور میتوان این خیزشها را استمرار داد، آنها را رهبری کرد، آنها را سازماندهی کرد، نکته اصلی اینست.

من فکر میکنم ۹۸ و کلا خیزش های شهری شبیه ۹۸ میتواند استمرار پیدا کنند منتهی شرط اش این است که جنبشهای اعتراضی و در راس آنها جنبش کارگری که تاثیر اساسی دارد، همان فرو دستانی که دوستانمان دارند میگویند چون ظاهرا طبقه متوسط نیست عصبانی میشود و طغیان میکند، همان بخش عصبانی، متحد شود و سازمان پیدا کند.

یکی از عواملی که انقلاب ۵۷ را آغاز کرد خارج محدوده

صف است. اعتصابات کارگری، بازنشستگان، معلمان، اعتراضات دادخواهان، اعتراضات زنان اینها الان نقش مهمی دارند اینها میتوانند و باید به نظر من هر چه سازمان یافته تر و هر چه متشکلتر و همبسته تر در کنار هم به میدان بیایند.

بنظر من حلقه اصلی در این شرایط همزمانی حرکتی میدانی این جنبش هاست. این جنبش ها به اندازه کافی چهره دارند، خواستهای خیلی رادیکالی را مطرح کرده اند و خواسته هایشان فصل مشترک زیادی با هم دارد. بعنوان نمونه معلمان، کارگران و بازنشستگان

تحولات اخیر با دیوارکشی پارکها، ورزشگاه ها و غیره و با اذیت و آزار جنسی زنان سینماگر دوباره اوج گرفته است، اینها در کنار هم بعنوان یک حرکت متحد و با تجمعات و تظاهرات همبسته میتوانند به میدان بیایند. اول ماه مه امسال یکی از فرصتهای مناسبی است که میتواند این اتفاق بیافتد. نه تنها اول ماه مه و یا مناسباتی مثل ۸ مارس بلکه حرکتی فورانی که به آنها میگویم خیزش های شهری، حتی حرکتی که میتواند نقش یک جرقه را داشته باشد، مثل قتل ناموسی مونا حیدری، مثل اعدام نوید افکاری، مثل قتل بکتاش آبتین

در زندان، اگر جامعه متشکل باشد، اگر این جنبش ها کنار هم باشند این جرقه ها میتواند تبدیل بشود به یک حرکت مستمر. حرکت مستمر بشکل تجمعات، تظاهرات و اعتصابات. این حرکات اعتراضی است که میتواند ماشین حکومتی را از هر طرف فلج کند و ضربه نهایی را به حکومت بزند.

روشن است که هم خیزشها و شورش های شهری جایگاه مهمی دارند و هم اعتراضات و تظاهرات و مبارزات مستمر. باید حلقه ارتباط اینها را بهم پیدا کرد و به پیش برد. یک نمونه که بنحوی تلفیق این دو بود حرکت اصفهان بود. حرکت کشاورزان و مردم اصفهان علیه کم آبی که تبدیل شد به یک اعتراض توده ای. این حرکت هم شکلی از خیزش باصطلاح خود به خودی و عصبان داشت، عصبان مردمی که از بی آبی ذله شده بودند و بخصوص کشاورزان که زندگی شان در هم ریخته بود و بشدت به این مساله معترض بودند، و هم در عین حال بشکل اشغال و تحصن سازمان یافته به مدت یک ماه ادامه پیدا کرد به نحوی که التحریر اصفهان لقب گرفت. با



فراخوان معلمان برای تجمع در روز جهانی کارگر و هفته معلم

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمع سراسری در روز اول مه روز جهانی کارگر و هفته معلم فراخوان داده است. خطاب این فراخوان به معلمان در سطح سراسری و خانواده های دانش آموزان است.

در بخشی از این بیانیه شورای هماهنگی با تبریک روز جهانی کارگر مینویسد: " همکاران عزیز! با توجه به اینکه هنوز مطالبات ما محقق نشده، شورای هماهنگی به تجمع سراسری در روز یکشنبه، ۱۱ اردیبهشت در سراسر ایران فراخوان می دهد." در ادامه بیانیه میگوید: " از آنجایی که این روز مصادف با اول ماه می و روز جهانی کارگر است و اکثریت والدین دانش آموزان ما کارگران و زحمتکشان هستند و مطالبات

معلمان مانند آموزش رایگان و باکیفیت، افزایش حقوق بالای خط فقر، حق تجمع و تشکلیابی و حق فعالیت آزادانه و آزادی معلمان و کارگران با سایر اقشار کارگری مشترک است، شورای هماهنگی ضمن تبریک اول ماه می به کارگران شریف جهان و ایران و دفاع از مطالبات و حق اعتراض کارگران، از والدین دانش آموزان خود می خواهیم برای تحقق مطالبات خود و دفاع از اصل آموزش رایگان و باکیفیت از مطالبات معلمان که بخشی از مطالبات اکثریت جامعه است حمایت نمایند و صحنه واقعی از اتحاد فرهنگیان و سایر اقشار اجتماعی را رقم بزنند. امیدواریم که سایه اتحاد عمل زمینه همستگی بیشتر بین تمام اقشار جامعه برای تحقق حاکمیت مردم، دموکراسی، آزادی،

برابری، رفاه و شادی فراهم گردد." تجمعات معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر در تهران مقابل مجلس اسلامی و در مراکز استانها و شهرستانها مقابل ادارات کل آموزش و پرورش و ادارات آن در ساعت ده صبح ۱۱ اردیبهشت برگزار خواهند شد.

در این بیانیه همچنین با اشاره به روز معلم در ۱۲ اردیبهشت چنین آمده است: " همانطور که می دانید ۱۲ اردیبهشت سالروز جان باختن ابوالحسن خانعلی به دست نیروهای سرکوبگر در سال ۱۳۴۰ است. از آن زمان این تاریخ به صورت غیررسمی روز معلم نام گرفت. در دهه هشتاد کانونها و انجمنهای صنفی با احیای نام ابوالحسن خانعلی،

روز معلم را به این مناسبت ثبت نمودند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران هفته معلم را به تمام فرهنگیان شاغل و بازنشسته تبریک و شادباش می گوید و یاد و خاطره خانعلی و تمام معلمان جانباخته راه آموزش و آزادی و برابری را گرامی می دارد."

این چنین است که معلمان از اعتراضات گسترده خود در روز جهانی کارگر و متعاقب آن در هفته معلم جهت پیگیری مطالبات خود خبر میدهند. اعتراض معلمان، اعتراض بازنشستگان به فقر، به تبعیض و نابرابری، به وضعیت نابسامان آموزش و پرورش و محرومیت کودکان از حق تحصیل رایگان و باکیفیت و غیر ایدئولوژیک، به دزدی ها و اختلاس ها و به سرکوبگری های حکومت

است. خواستهای معلمان خواستهای همه مردم است. امروز معلمان بطور واقعی به حلقه اتصال اعتراضات بخش های مختلف جامعه به یکدیگر تبدیل شده اند. از فراخوان معلمان به مناسبت روز جهانی کارگر که مربوط به همه مردم است باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد و این روز را به یک روز اعتراض سراسری تبدیل نمود. گفتنی است که بازنشستگان نیز بر ادامه یکشنبه های اعتراض خود تاکید داشته و روز جهانی کارگر یکی دیگر از یکشنبه های اعتراض آنان خواهد بود. معلمان، بازنشستگان بخش های معترض و رزمنده جامعه هستند و مبارزاتشان شایسته وسیعترین حمایت ها است و باید مورد حمایت همه جامعه قرار گیرند. دست در دست هم روز جهانی

اعدام ها در ایران و عکس العمل دول غربی

کیوان جاوید

دو سازمان حقوق بشری ایرانی و فرانسوی روز پنجشنبه از افزایش صد درصدی اجرای حکم اعدام در ایران پس از روی کار آمدن ابراهیم رئیسی خبر دادند.

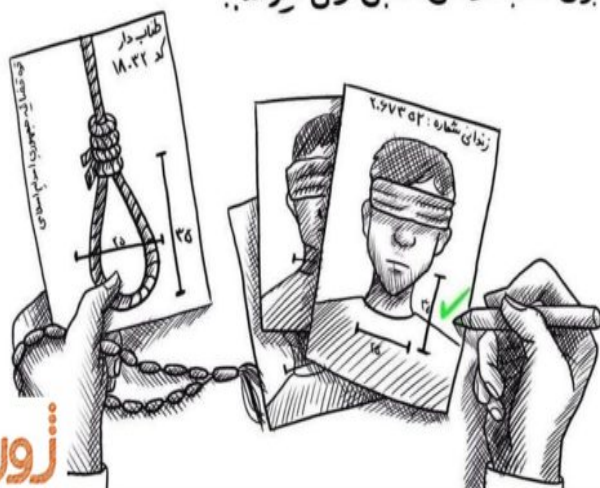
مردم ایران در تاریخ ۱۰۰ ساله خود منظمایی و بی وقفه با این جنایت سازمان یافته دولتی دست به گریبان بودند. حکومت پشت حکومت برای مرعوب کردن جامعه دست به کشتار مخالفین سیاسی زده و مردم

عادی را به بهانه های مختلف پای چوبه های دار بردند تا پایه های خفقان دولتی را محکم کنند.

جمهوری اسلامی رکورددار قتل سازمان یافته دولتی است. درست از اولین روزهای به قدرت رسیدن، دست به کشتار کارگران اعتصابی ذوب آهن زد، ترکمن صحرا و کردستان را به خون کشیده و تا توانستند مخالفین سیاسی را ترور و اعدام کردند.

در مقابل همه این توحش، شاهد بی عملی مطلق دولتهای اروپایی و آمریکا، در تقابل با این جنایت سازمان یافته حکومت اسلامی هستیم. برای پایان دادن به این موج کشتار و آدمکشی باید اقدامات ویژه و

برای طناب دارشان، دنبال کردن میگردند!!



موثری سازمان داد و اجرا کرد. غرولند و مماشات دول غربی راه به جایی نمی برد. جمهوری اسلامی باید همه جانبه بایکوت سیاسی شود. تمام مراکز دیپلماتیک این حکومت

باید تعطیل گردند. مذاکره در هر موردی باید یک پیش شرط مهم داشته باشد. لغو اعدام در ایران. تحت هیچ بهانه ای نباید رژیم بتواند کسی را در ایران اعدام کند.

بایکوت جهانی جمهوری اسلامی امکان بیشتری به مردم ایران میدهد تا در همه زمینه ها و از جمله لغو اعدام، علیه جمهوری اسلامی با قدرت بیشتری مبارزه کنند.

زورنال

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در مقابل احضارها و دستگیری ها تلاش برای تجمعات اول مه را گسترش دهیم



احضار تلفنی توسط ستاد خبری اداره اطلاعات سندج به مدت بیش از ۲ ساعت مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت و همزمان خبر دستگیری شماری از فعالین کارگری و اجتماعی سرشناس در شهرستان بانه انتشار یافت. تاکنون تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری و فعالین معلمان و دیگر فعالین اجتماعی احضار و تهدید شده اند.

در آستانه یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر، نهادهای سرکوب حکومت طبق روال هر ساله شان به احضار و تهدید فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی روی آورده اند.

روزپنجمشنبه ۸ اردیبهشت اطلاعات سپاه در شهر سندج شیت امانی از اعضای هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را پس از احضار تلفنی مورد بازجویی و تهدید قرار داد. بازجویان اطلاعات سپاه به شیت امانی اعلام کرده اند که برای وی پرونده قضایی تشکیل شده است. در همین روز مظفر صالح نیا از اعضای هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از

بر کسی پوشیده نیست که نهادهای اطلاعاتی حکومت در وحشت و هراس از برگزاری روز جهانی کارگر به تکاپو افتاده اند تا مانع برگزاری مراسم های اول مه بشوند. تلاشهای حکومت و اطلاعات سپاه برای ایجاد مانع

در برگزاری روز جهانی کارگر در حالی صورت می گیرد که فضای اعتراضی بخشهای مختلف مردم علیه حکومت اسلامی وارد فاز تعرضی تری شده است. حاکمان اسلامی و نهادهای سرکوب این رژیم بخوبی دریافته اند که اعتراضات بخشهای مختلف مردم ابعاد وسیع و بی سابقه ای یافته است. اعلام حضور وسیع معلمان در هفته معلم و فراخوان به شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، فراخوان بخشهای مختلف کارگری برای بلند کردن پرچم مطالباتی خود، حضور دانشجویان و دیگر بخشهای مختلف مردم برای نشان دادن یک نمایش پر قدرت و باشکوه،

خواب را از چشمان مفتخوران اسلامی ربوده است.

کارگران، مردم آزاده!

بهترین پاسخ به احضار و تهدید و دستگیری فعالین، برگزاری هرچه باشکوه تر اول مه است. حضور معلمان و خانواده های آنها، کارگران و دانشجویان و سایر مردم معترض در تجمعات روز جهانی کارگر مؤثرترین راه برای مقابله با مراسم های اول مه را با تلاش دو چندان برای حضور قدرتمند و هر چه توده ای تر شدن تجمعات اول مه می توانیم در هم شکستیم. به میدان بیاییم و روز جهانی مان را به روز اعتراض قدرتمند به فقر و محرومیت و گرانای و اعتراض به احضار و تهدید و دستگیری تبدیل کنیم!

سرکوبگرانه است. تلاش حکومت برای مقابله با مراسم های اول مه را با تلاش دو چندان برای حضور قدرتمند و هر چه توده ای تر شدن تجمعات اول مه می توانیم در هم شکستیم. به میدان بیاییم و روز جهانی مان را به روز اعتراض قدرتمند به فقر و محرومیت و گرانای و اعتراض به احضار و تهدید و دستگیری تبدیل کنیم!

کمیته کردستان حزب

به مردم ایران در داخل کشور

به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند. شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند. این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که می توانید به حزبتان کمک کنید. قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار می توانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

تلفن های تماس (واتس اپ، تلگرام، سینگنال):

سیامک بهاری: 0046739868051

بابک یزدی:

0014164717138

شهلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643

انکاء ما به حمایت شماست! لیست شماره دو کمپین ۱۰۰ هزار دلاری برای تامین مالی حزب

در پاسخ به فراخوان حزب مبلغ ۵۶۰۶۰ دلار آمریکا در دو هفته گذشته جمع آوری شد. عمیقا از همه عزیزانی که به کمپین کمک کردند قدردانی میکنیم. امیدواریم دوستان بیشتری در این کمپین شرکت کنند تا حداقل ۴۳۹۴۰ دلار دیگر نیز ظرف دو هفته آینده جمع آوری شود.

داریوش صفا ۳۵۰ یورو
ناصر کشکولی ۱۰۰ یورو
جمال گلحسینی ۳۰ یورو
فواد خدیور ۲۰ یورو
سیامک زارع ۵۰ یورو
مهین درویش روحانی ۱۰۰ یورو
فاتح بهرامی ۲۰۰ دلار کانادا
فرح ناظمی ۲۰۰ دلار کانادا
فرهاد بیروتی ۵۰۰ دلار کانادا
عبدالله سلیمان ۱۰۰ دلار کانادا
شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۲۵۰ پوند
پری رشیدی ۱۰۰۰ کرون
اولدین و سودابه شکیب ۱۵۰۰ کرون
علی و ناهید ۱۰۰۰ کرون
علی قنبری ۵۰ دلار
ستار نوریزاد ۱۰۰ دلار
محمد محمدی ۱۰۰ دلار
فلورت معارفی ۱۰۰ کرون
ایرن ۲۰۰ کرون
سوسن صابری ۱۲۰۰ کرون

از ایران:

جانان ۱۰۰۰ دلار آمریکا
نادر از ایران ۵۰۰ هزار تومان
منصور دریایی از ایران ۱ میلیون تومان
حکمت از ایران ۱ میلیون تومان
حسن صفا ۵۰۰ هزار تومان
پوران راد ۵۰۰ هزار تومان

جمع ۲۴۴۲۰ دلار
لیست یک ۳۱۶۴۰ دلار
جمع لیست یک و دو ۵۶۰۶۰ دلار

بهمن خانی ۶۰۰۰ یورو
حسن صالحی ۲۰۰۰۰ کرون
مجید آذری ۱۲۰۰ دلار آمریکا
عظیم مطور ۱۲۰۰ یورو
کیا صبری ۱۰۰۰ دلار کانادا
ایرج رضایی ۵۰۰ دلار کانادا
امیر زاهدی ۱۰۰۰ دلار کانادا
سمیر نوری ۵۰۰ دلار کانادا
پتی دیونیتاس و کیوان جاوید ۲۵۰۰ پوند
ناصر شیشه گر ۲۰۰۰ کرون
بهزاد مهرآبادی ۱۲۵۰ دلار کانادا
امیر توکلی ۵۰۰ یورو
مهین علیپور ۲۰۰۰ کرون
خلیل کیوان ۳۰۰۰ کرون
میترا دانشی و حمید تقوایی ۱۰۰۰ دلار کانادا
بهرز بهاری ۱۵۰ پوند
مجید فرجیان ۵۰۰ کرون
شهلا زاگری ۳۰۰ کرون
صادق ۲۰۰ کرون
معصومه ۱۰۰۰ کرون
ساحره ۲۰۰ کرون
آذر مقدم ۳۰۰۰ کرون
به یاد ایرج فرجاد عزیز ۱۰۰ یورو
شیرین شمس ۵۰۰ کرون
کیان آذر ۵۰۰ کرون
مریم افراسیاب پور ۱۰۰۰ کرون
ناصر رستمی ۱۰۰ یورو
شهناز خندانی ۱۰۰ یورو
داریوش صفا ۳۵۰ یورو
مریم صاقی و جمال خسروی ۲۰۰ یورو
خالد ناصر ۵۰ یورو
نوید محمدی ۳۰۰ یورو
حمید رحیم پور ۲۰۰ یورو
سعید ویسی ۲۰۰ یورو

انکاء ما به حمایت شماست!

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

حزب کمونیست کارگری فعالیت وسیع و خستگی ناپذیری را علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری و رفاه در ایران پیش میبرد. تامین مالی این فعاليتها،

از اداره تلویزیون ۲۴ ساعته "کانال جدید" که بر دو ماهواره برنامه پخش میکند و تکیه گاه مبارزات کارگران و معلمان و زنان و همه جنبش های اعتراضی و آزادیخواه است، تا فعالیت میدانی موثر در همه عرصه های مبارزه علیه جمهوری اسلامی در داخل ایران تا برپایی تظاهرات های خارج کشور در شهرهای مختلف جهان و فعالیت های متنوع برای شکل دادن به افکار عمومی در کشورهای مختلف در حمایت از مبارزات مردم ایران، همه و همه بدون کمک های مالی شما دوستداران آزادی و برابری و حزب کمونیست کارگری ممکن نبوده است.

ما بار دیگر در کمپین سالانه خود برای جمع آوری کمک مالی جهت تامین هزینه فعالیت های حزب کمونیست کارگری و گسترش این فعالیت ها به شما مردم شریف و آزادیخواه، به شما کسانی که خواهان رهایی از شر حکومت مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی هستید، به شما دوستداران برابری و رهایی انسان از شر همه مصائب و

محرومیت ها روی می آوریم. ما امیدواریم که مثل همیشه با حمایت سخاوتمندانه شما و با فعالیت های بیدریغ اعضا و فعالین حزب برای جمع آوری کمک مالی بتوانیم مبلغ ۱۰۰ هزار دلار را در فرصت یک ماهه جمع آوری کنیم.

از شما در خارج و داخل کشور دعوت می کنیم هر اندازه که توان مالی شما اجازه میدهد به حزب کمونیست کارگری و فعالیت های شبانه روزی و وسیع اش علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری یاری رسانید.

برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.
شماره حساب ها و تلفن های تماس:

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:

**مستحکم باد پیوند تمام بخشهای طبقه کارگر
علیه ستم و تبعیض**